

# هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمارت



روضه‌های مصور  
ما یک امت واحدیم  
دست‌فروشی در راهپیمایی‌ها



در تبیین فتنه ۸۸

فتنه‌شناسی،  
اولویت‌ها و پیامدها



در ستایش مستند «نار و انار»

تسکینی بر دردهای  
شیعیان آذربایجان





# روضه های مصور

## یادداشتی بر مستند «پرواز از حلب» درباره شهید مدافع حرم هریری

نتیجه و حکمت چنین شیوه‌ای این است که، ذهن مخاطب از این به بعد، درگیر آن نیست که بناست چه اتفاقی بیفتد؛ بلکه حالا ظرفیت ذهنی او عمدتاً بر این موضوع متمرکز خواهد بود که، «چگونه» این اتفاق تلخ و تراژدی غم‌انگیز رخ می‌دهد؟ و چرا؟

در ادبیات دینی و شیعی ما، به این جنس از داستان‌ها، یعنی نحوه شهادت یک قهرمان، اصطلاحاً «روضه» می‌گویند. در بین انواع داستان‌ها، هیچ‌کدام به اندازه «تراژدی‌ها» اصالت ندارند. و روضه، تراژدی غم‌انگیز شهادت است. فرصت نیست از عناصر روایی و سبک قصه‌گویی در روضه‌ها با شرح و تفصیل بیشتری صحبت کنیم. مثلاً در روضه پیش از آنکه بین مخاطب و قهرمان هم‌ذات‌پنداری به وجود بیاید، نوعی ارتباط قلبی و عاطفی شکل می‌گیرد. یعنی مخاطب روضه به جای آنکه خود را مثل قهرمانان تصور کند، در موقعیت آنان خود را قرار می‌دهد. یعنی احساس محبت و ارادت به قهرمانان و برائت نسبت به ضدقهرمان‌ها. بنابراین لذت ذهنی شنونده یک روضه لذت هم‌ذات‌پنداری نیست. بلکه لذت ارتباط

مخاطب می‌تواند از ابتدا تا انتهای فیلم را به راحتی نگاه کند. در ابتدا سکانس‌های برگزیده‌ای از انتهای داستان ارائه می‌شود. و همین سکانس‌ها تعلیق خوبی را برای داستان فیلم ایجاد می‌کند. یعنی از همان ابتدا مشخص است که قهرمان اصلی فیلم کیست و در نهایت بناست چه سرنوشتی داشته باشد؛ سرنوشتی به نام شهادت...

بنابراین حالا گره اصلی داستان نحوه شهادت این قهرمان است (و یا دلیل شهادتش). به عبارت دیگر حالا مخاطب فیلم می‌داند «چه اتفاقی» افتاده؛ اما چیزی که پیوند او را با فیلم حفظ می‌کند، پرسش‌ها و تعلیقی است از جنس «چگونه» این اتفاق افتاده است و «چرا». و می‌دانیم که این جنس از تعلیق مختص عنصر روایت در فیلم‌های پست‌مدرن است. دقیقاً همان سبکی از روایت که قرن‌ها پیش از این، در داستان رستم و سهراب شاهنامه شاهد آن هستیم. فردوسی از همان ابتدای داستان یادآور می‌شود که: یکی داستان است پرآب چشم... یعنی از همان آغاز داستان، انتهای آن را یادآور می‌شود و فاش می‌کند.



نعمت‌الله سعیدی  
نویسنده

فیلم پرواز از حلب روایتی است از زندگی و شهادت حسین هریری؛ رزمنده ایرانی و یکی از تخریبچی‌های گردان‌های فاطمیون. این فیلم از نظر مسائل فرمی و ساختاری تقریباً یک فیلم کم‌غلط است. از تصویر و فیلم‌برداری گرفته تا صدابرداری، یا از فیلم‌نامه گرفته تا تدوین، اکثر عناصر در جای خود هستند و نقش و وظیفه خود را به خوبی ایفا می‌کنند. مجموعه این عوامل ریتمی روان و دل‌نشین را رقم زده‌اند. عنصر روایت داستان فیلم نه تا به اضافه‌ای دارد که با کش‌دار کردن برخی از صحنه‌ها و سکانس‌ها حوصله مخاطب را سر ببرند، نه موضوع و نکته‌ای را قربانی حفظ ریتم کرده است.



**روضة یعنی بازتعریف و معرفت یافتن نسبت به همان دانسته‌ها و معارف قلبی و قلبی. در روایت از هر شهیدی نیز باید ساختار روضه را به خوبی شناخت. آن هم با جزئیات ساختاری و فرمی هرچه بیشتر و بهتر**

گرفتن با قهرمانان و عبرت گرفتن از وقایع است. البته کیفیت و درجات این ارادت‌ها و برائت‌ها، بستگی به کیفیت و درجات خود روضه دارد. مثلاً حقیقت محبت و ارادت، بستگی به کیفیت شناخت و معرفت مخاطب دارد. ارادت و برائت واقعی نسبت به یک موضوع، وقتی است که، ابتدا آن را بشناسیم و نسبت به آن شناخت حاصل کنیم. ما نمی‌توانیم نسبت به چیزی که آن را نمی‌شناسیم محبت یا نفرت داشته باشیم.

اما برعکس این معادله همیشه صادق نیست. یعنی انسان ممکن است خیلی وقت‌ها، از چیزی که مورد محبت یا نفرت اوست، شناخت واقعی نداشته باشد. بسیاری از رسانه‌ها در واقع از همین فرمول استفاده می‌کنند. عبارت «مدیریت افکار» یک سوءتفاهم و دروغ بزرگ در بحث‌های نظری رسانه است. آنچه اهالی رسانه می‌آموزند، یا خود رسانه‌ها انجام می‌دهند در واقع «مدیریت احساسات» است. (و در واقع سوءاستفاده از احساسات پاک و فطری مخاطب، در راستای تلقین و تزریق یک نوع طرز فکر به آنان. چون شاید بسیاری از مخاطبان متوجه

نیستند که مثلاً هر چیزی که زشت باشد، نفرت‌انگیز هم هست؛ اما لزوماً بنا نیست برعکس این گزاره نیز صادق باشد. خیلی وقت‌ها ممکن است ما از چیزهایی بدمان و خوشمان بیاید که اطلاعی از واقعیت آن‌ها نداریم... بگذریم)

رسانه‌ها معمولاً قبل از اینکه به بازتاب اخبار بپردازند، در اتاق‌های فکری خود، به منافع بنگاه خبری خود فکر کرده‌اند. و می‌دانیم که منافع یک بنگاه رسانه‌ای (که در جهان بینی مرسوم، پیش از هر چیز یک جور بنگاه اقتصادی است) لزوماً منطبق بر واقعیات و حقایق موجود در جهان خارج نیست. بنابراین، قبل از ارسال هرگونه اخباری، تکلیف خود را روشن کرده‌اند که، چه چیزهایی بناست خوب باشد و چه چیزهایی بد. پس مخاطب نیز در واقع بنا نیست ابتدا سوژه‌ها را شناخته و نسبت به جهان پیرامون خود آگاهی کسب کند؛ بلکه بناست در جریان قرار بگیرد که به نظر افکار عمومی (که گفتیم در واقع همان احساسات عمومی مدیریت شده‌اند) چه چیزهایی بد است یا چه چیزهایی خوب.

مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی می‌فرمود: «استعمار یعنی تعطیلی فکر؛ نه به آن معنا که اجازه ندهند شما فکر کنید، بلکه به آن معنی که فرصت ندهند شما فکر کنید. استعمار نو، استعمار رسیدن به جواب قبل از رسیدن به سؤال است...»

چون تمام جواب‌ها را قبلاً رسانه‌ها برای مخاطب آماده کرده‌اند. مخاطبی که مصرف‌کننده دست‌وپایسته همین «پاسخ‌های از پیش تعیین شده» است... نه تحلیل‌هایی که خیال می‌کند خودش به آن‌ها رسیده است. بگذریم.

الغرض در ضعیف‌ترین روضه‌ها نیز، بنا نیست قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌ها تعیین شوند. (چون از قبل این موضوع مشخص شده است و برای شنوندگان جزو بدیهیات است) بلکه بناست مخاطب همین شخصیت‌ها را بیشتر و بهتر بشناسد. روضه یعنی ضریب دادن به خود حقیقت خوبی‌ها و بدی‌ها. (و بیدار کردن فطرت در وجود مخاطبان. چون هر فطرت بدی و زشتی را مغفور می‌دارد و نسبت به خوبی و خوبی‌ها احساس علاقه و محبت می‌کند) روضه یعنی بازتعریف و معرفت یافتن نسبت به همان دانسته‌ها و معارف قلبی و قلبی. در روایت از هر شهیدی نیز باید ساختار روضه را به خوبی شناخت. آن هم با جزئیات ساختاری و فرمی هرچه بیشتر و بهتر. (و باور کردن این ساختار؛ در اینکه از نظر جذب مخاطب و تأثیرگذاری بر او نیز موفق‌تر از هر ساختار دیگری است) اجازه دهید با یک پرسش ساده این مطلب را بیشتر توضیح دهیم: «اگر مثلاً در همین فیلم «پرواز از حلب» حسین هریری را برداریم و یک شخصیت داعشی را بگذاریم چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا تغییر و تفاوت خاصی روی می‌دهد؟»

انگیزه منهای معرفت می‌شود چیزی شبیه همین داعش. با این حال حتی اگر پاسخ پرسش قبلی تقریباً «هیچ» باشد و بتوان ادعا کرد که در صورت عوض کردن جای قهرمان و ضدقهرمان اتفاق خاصی نمی‌افتد، باز هم نمی‌توان منکر ارزش چنین فیلمی شد. چون تا همین جا نیز فیلم‌ساز نیمی از راه را پیش آمده است. دشمنان و رقبای ما به شدت در حال چهره‌سازی از قهرمان‌های خود هستند. مثلاً یکی از برگ برنده‌های مهم داعش در همین جنگ‌های اخیر کار رسانه‌های حرفه‌ای و قوی آن بود. عمده مخاطبان ما نیز مشکل خاصی در تشخیص و تمییز بین داعش و نیروهای مقاومت ندارند. آن‌ها به این مسئله شناخت دارند که کدام طرف قهرمان

است و کدام طرف ضدقهرمان. بلکه مشکل مهم‌تر ما عدم پوشش رسانه‌ای و معرفی قهرمان‌های جبهه خودی است. (بلکه حتی عدم شناخت ضدقهرمان‌های مثل داعش!)

این درست است که انگیزه منهای معرفت می‌شود چیزی شبیه همین داعش. با این حال نباید فراموش کرد که نیمی از راه به تصویر کشیدن همین انگیزه‌هاست. چون معرفت بدون انگیزه نیز نوعی دیگر از داعشی بودن و زیستن است. و چه کسی می‌تواند ادعا کند که خطر این دسته دوم از دسته نخست کمتر است؟!

مثلاً به تصویر کشیدن صحنه‌های اکشن و نمایش مهارت‌های نظامی و غیره نیز بخش مهمی از کار است. در این شکی نیست که برگ برنده جبهه حق آرمان‌ها و نوع نگاه اوست. اما تلاش برای کسب مهارت و قدرت بیشتر نیز بستگی به کیفیت همین آرمان‌ها دارد. رزمنده‌ای که برای پیروزی جبهه حق و در راه خدا مبارزه می‌کند، قطعاً به خاطر همین آرمان‌ها نیز تلاش می‌کند مهارت بیشتری کسب کند. آن‌هایی که تصور می‌کنند بخش عمده ایمان همین کسب معرفت است، نهایتاً سر از آنجا درمی‌آورند که مثل قوم بنی‌اسرائیل به پیامبران بگویند: تو به همراه خدای توانای خودت به جنگ دشمنان برو و شهر را بگیر. ما بندگان ناتوان اینجا عبادت می‌کنیم تا زمینه برای ورود و جلوسمان به شهر آماده شود!...

الغرض، در مورد وقایع اخیر سوریه و عراق نیز اگر رسانه‌های ما نیمی از وظایف خود را انجام می‌داد، کار به اینجا نمی‌کشید که رزمندگان اعزامی ما به منطقه، مجبور باشند دلایل جان‌فشانیشان را در این جبهه‌ها به افکار عمومی توضیح بدهند! و حضورشان را توجیه کنند! بلکه مخالفان باید به افکار عمومی توضیح می‌دادند که در قبال امنیت و منافع بدیهی ما در این مناطق چه کرده‌اند؟! این مواضع خائنانه است که نیاز به توجیه دارد یا رشادات و ایثار؟!

این فاجعه مضحک رسانه‌ای وقتی بروز می‌کند که متأسفانه هنوز هم بسیاری از مدیران و اهالی رسانه‌ای ما با بدیهیات اولیه و القبای ابتدایی کار خود آشنا نیستند! و چون مثلاً نمی‌دانند، خیلی وقت‌ها تلاش برای پاسخگویی به رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی و صدای آمریکا، به معنای بازی خوردن از رقیب است. چون بخش مهمی از کار رسانه‌ای همان طرح مسئله و پرسش است؛ نه تلاش برای یافتن پاسخ‌های اقتناع‌کننده! (چون هر مخاطبی در برابر پاسخ و پیام مستقیم، مقاومت دارد...)

اگر اجمالاً مخاطبان را به سه طیف موافق، بی‌طرف، و مخالف تقسیم کنیم، قطعاً با هر تعریفی از رسانه، طیف مخاطبان موافق در اولویت قرار دارند. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات رسانه‌های ما (از جمله مخصوصاً صداوسیما) این بود که تصور کردند کار برای مخاطبان بی‌طرف یا مخالف مهم‌تر است.

یک رسانه حرفه‌ای قبل از آنکه برای اقتناع مخاطبان مخالف خود برنامه‌سازی کند، برای محکومیت آنان کار می‌کند. به همین ترتیب برای مخاطبان بی‌طرف نیز فقط باید در حیطه‌ی اشتراکات آنان با مخاطبان موافق برنامه ساخت. چون همواره مفاهیم و رویکردهایی وجود دارد که برای تمامی مخاطبان مشترک است. (و عرصه این مشترکات نیز برخلاف تصور اولیه، بسیار وسیع است) مثلاً بی‌بی‌سی فقط وقتی علیه حجاب برنامه می‌سازد، که از مفهومی تحت عنوان آزادی‌های





# یک زندگی تمام‌حماسه

کارگردان «پرواز از حلب» از ماجراهای ساخت مستند می‌گوید

**محسن عقیلی، اهل مشهد و متولد سال ۱۳۶۸ است. او در مقطع کاردانی رشته تصویربرداری و در مقطع کارشناسی رشته تدوین، خوانده است. ورودش به فضای فیلم‌سازی از سال ۱۳۸۸ و تخصصش تدوین است. عقیلی در کارنامه هنری خود، تدوین مستندهای کوتاه، نیمه بلند و بلند از جمله مستندهای «پایان غرور»، «شهید فاتح» و «پسر» را دارد که این آثار موفق به کسب افتخارات زیادی در جشنواره‌های مختلف شده است. وی که دوره گذشته، تدوین‌گر چند اثر بوده، امسال با کارگردانی مستند «پرواز از حلب» راهی هشتمین جشنواره فیلم عمار شده است.**

بود، بنابراین با بچه‌های فاطمیون در ارتباط بود من شنیدم که مجموعه رسانه فاطمیون تصاویر خوبی از این شهید دارند، این اطلاعات هم تحویل ما شد. رفقا و هم‌زم‌های شهید پای کار آمدند و یک آرشیو کامل جمع شد.

در حین ضبط فیلم، وقتی که برای مصاحبه پیش یکی از دوستان شهید رفته بودیم، ایشان گفتند که چرا خودتان برای ضبط فیلم به سوریه نمی‌روید؟ گفتم دلشان خوش است! داستان خیلی پیچیده‌تر از آن چیزهایی است که شما می‌گویید. اما ایشان راهکاری جلوی پای ما گذاشتند که به سوریه برویم. از زمانی که این راهکار به ما ارائه شد، تا زمانی که شرایط سفر مهیا شد و رفتیم، کمتر از یک هفته زمان برد.

حیات و ممات شهدا حماسه است، فقط جنس حماسه‌ها فرق می‌کند. اگر شهیدی به خانواده‌اش وابستگی دارد و پا بر روی وابستگی‌اش می‌گذارد، خود این حماسه است. اگر حسین هریری نازشست‌هایی را در زمینه تخریب نشان می‌دهد، حماسه است. در واقع تمام زندگی شهدا حماسه است.

## جشنواره عمار، سینمای انقلاب

در گذشته، مرتضی آوینی بود که انقلابی‌ها را در پوشش سینمای انقلاب نشان می‌داد. با شهادت مرتضی آوینی سینمای انقلاب تمام شد. قبل از جشنواره عمار هم چیزی به نام سینمای انقلاب نداشتیم، و الان هم اگر در فرهنگ لغت سینمای ایران چیزی به نام سینمای انقلاب وجود داشته باشد، ذیل جشنواره عمار می‌گنجد.

یکی از مزیت‌های جشنواره عمار، طرح اکران مردمی است. اکران مردمی، سواد سینمایی و رسانه‌ای را در روستاها و یا مناطقی که مردم به هر دلیلی به سینما و تلویزیون دسترسی ندارند، تزریق می‌کند. قطعاً اکران‌های مردمی، سطح سواد رسانه‌ای و سینمایی را جابه‌جا خواهد کرد.

## موضوع مستند «پرواز از حلب»

همان‌طور که از اسم فیلم معلوم است، داستان به یک اتفاق در سوریه برمی‌گردد. جرقه شروع کار زمانی زده شد که خبر شهادت شهید «حسین هریری»، یکی از رزمندگان مدافع حرم مشهدی، در شهر پیچید. پیشنهاد اولیه این کار، از سمت دوست مشترک بنده و شهید هریری داده شد که برای مراسم وداع، تشیع و تدفین این شهید بزرگوار یک تیزر آماده کنیم. شبانه ساخت تیزر را آغاز کردیم. در این حین یک سری فیلم‌هایی از حضور ایشان در سوریه و همچنین تصاویری از لحظه اعلام خبر شهادت شهید به خانواده ایشان، به دستم رسید. لحظه‌ای که خبر شهادت به خانواده ایشان داده می‌شود، پدر و مادرش خیلی محکم، مانند دو کوه با افتخار می‌ایستند. این‌ها خیلی برای من جذاب بود. هر چه جلوتر می‌رفتیم، ابعاد مختلف شخصیت این آدم برای من روشن‌تر شد و در این قصه فرو می‌رفتم. این‌طور شد که از یک تیزر دوازده ثانیه‌ای، به یک مستند چهل دقیقه‌ای رسیدیم.

## ماجراهای ساخت مستند

همه مستندسازها این اعتقاد را دارند که ساخت مستند برای افراد از دست رفته خیلی سخت است؛ اما وقتی که این آدم شهید شده باشد، فیلم‌ساز مسلمان اعتقاد دارد که او زنده است و کار را مدیریت می‌کند. ما دو ماهی که مشغول جمع‌آوری آرشیو بودیم، معجزات بسیاری از این شهید دیدیم. حضور ایشان کاملاً برای ما ملموس بود و در هر قدم برای ما واضح‌تر می‌شد. مجموعه‌هایی به ما در جمع‌آوری آرشیو کمک کردند، که واقعاً من در سابقه چند ساله‌ام ندیده بودم و برایم عجیب بود. به‌عنوان مثال، سپاه به یک مستندساز شخصی مانند من اعتماد صد درصد کرد و سیستم آرشیویشان را در اختیار ما قرار داد که هر چه می‌خواهیم استفاده کنیم.

حسین حریری چون در برهه‌ای با شخصیت غیر ایرانی یا همان شخصیت افغانستانی عازم سوریه شده

فردی و اجتماعی استفاده کند. چرا؟ چون اعتقاد و علاقه به آزادی در میان مخاطبان موافق حجاب و مخالف آن مشترک است. خلاصه، رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی هیچ‌گاه برای جذب هیچ مخاطبی، مثلاً ارزش‌های اومانیستی خود را کنار نمی‌گذارند؛ یا آن‌ها را کمرنگ نمی‌کنند. از بحث خود دور نشویم؛

«پرواز از حلب» سوژه خود را که زندگینامه یک شهید و کیفیت شهادت اوست، با روایتی منسجم و به‌خوبی به تصویر می‌کشد. اما چیز چندانی از چرایی و چیستی آن نمی‌گوید. بنابراین، این چرایی و چیستی شهادت را باید از همین چگونگی و نحوه وقوع آن دریافت. در عین حال نباید فراموش کنیم که مخاطبان اولیه چنین فیلمی معمولاً هیچ مشکل خاصی در مفهوم شهادت و فلسفه آن ندارند. بلکه نخستین مشکل آنان این است که چیز چندانی از قهرمانان خود نمی‌دانند.

\*\*

پیش‌ازاین در نقد فیلم رؤیای خلافت، از ارتباط، تمایز و مناسبات موجود بین دو مفهوم کلیدی «خبر» (اطلاعات، دیتا) و «تحلیل» نکات مختصری مطرح شد. یک انسان «باخبر» ممکن است به تحلیل نرسد و تحلیل‌گر نشود، اما ممکن نیست یک انسان بی‌خبر بتواند «تحلیل‌گر» شود. پیامبران الهی در درجه نخست خبرساز بودند. (و قالو لو کنا نسمع او نعقل... یعنی اولویت «شنیدن» و خبر گرفتن، بر تعقل و «اندیشه» برای تحلیلگری)

اتفاقاً یکی از اشتباهات حرفه‌ای رسانه‌های ما در قبال وقایع منطقه، داعش و جبهه مقاومت و غیره، همین غلبه و چربش حجم تحلیل‌ها بر اخبار بود. رسانه‌های ما چون نمی‌توانند ارزش‌های خبری را بر اساس جهان‌بینی خود تعریف کنند، یا چون نمی‌تواند بر اساس معیارهای خود سوژه‌یابی کنند، همواره با از اخبار می‌ترسند یا در برابر آن‌ها منفعل عمل می‌کنند. شاید ما باید ابتدا از حضور قهرمانان خود در سوریه و عراق تصویری واقعی و با جزئیات هر چه بیشتر به مخاطبان خود انتقال می‌دادیم، و سپس در پی توضیح و تجزیه و تحلیل فلسفه حضور خود در این مناطق برمی‌آمدیم و از آن‌ها صحبت می‌کردیم.

به تصویر کشیدن نحوه شهادت مردانی چون حسین هریری و پوشش خبری مناسب در این زمینه، خودش گویاترین تحلیل در این موارد است. مثلاً در مورد قربانیان غیرنظامی سوریه، چه تحلیلی بهتر و گویاتر از اینکه شهادتی چون حسین هریری جان خود را برای امنیت همین غیرنظامیان از دست دادند؟! و برای خنثی‌سازی تله‌های انفجاری داعش در خانه‌های آوارگان غیرنظامی، به شهادت رسیدند...

مقابلاً، برای اثبات ناجوانمردی دشمنان روبرو، چه چیزی واضح‌تر از اینکه مردم بی‌گناه را سپرد دفاعی خود قرار می‌داند؟ اصلاً مگر برای اثبات ناحق بودن پدیده‌ای مثل داعش نیاز به تحلیل بود؟! همان‌طور که در باطل بودن شمر و یزید، حتی مسیحیان نیز تردیدی نداشتند، خود رسانه‌های غرب نیز پلشتی پدیده‌ای به نام داعش را با بهترین ضرایب رسانه‌ای پوشش داده‌اند. پس چگونه ممکن است شهید جواد جهانی، یک قهرمان جهانی نباشد؟! لیکن شهید حسین هریری، دقایقی قبل از شهادت، شهادت می‌دهد که دخالت جمهوری اسلامی در منطقه از چه جنسی ست...

سربازان آمریکایی می‌توانند انواع تسلیحات نظامی را در اختیار داشته باشند. اما بدون این لبخند، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند...





# گزارش تصویری روز سوم



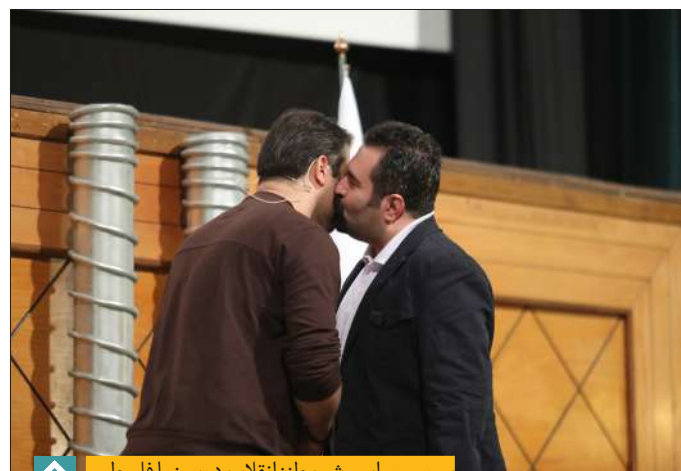
سینما فلسطین



غرفه کودک و نوجوان در سینما فلسطین



سینما فلسطین



سومین مراسم شب طنز انقلاب در سینما فلسطین



سومین مراسم شب طنز انقلاب در سینما فلسطین



سومین مراسم شب طنز انقلاب در سینما فلسطین



سومین دوره آموزشی راه نما



سومین مراسم شب طنز انقلاب در سینما فلسطین



## سومین دوره آموزشی «راه‌نما»



سومین نشست از سلسله جلسات کارگاهی دومین دوره آموزشی «راه‌نما» در حاشیه هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار با حضور نادر طالب‌زاده، محمدحسین نیرومند، ناصر هاشم‌زاده، شهریار بحرانی، مسعود ده‌نمکی، احسان محمدحسینی، محمدباقر مفیدی کیا و جمعی از فیلم‌سازان جوان برگزار شد.

شهریار بحرانی: آیا می‌شود هنر را آموزش داد؟ آیا کسی به صرف حضور در کلاس هنری هنرمند می‌شود؟ آیا هنر چیزی است که با آموزش منتقل می‌شود؟ به نظر می‌آید که خود هنر توسط آموزش منتقل نمی‌شود بلکه از یک هم‌نشینی در یک فضای هنری به دست می‌آید. هنرمندان کمی از دانشگاه‌های هنر بیرون می‌آید. به قول شهریار زرنشان همه دانشگاه‌های هنری استعدادسوزند و خلاقیت را می‌کشند. برای جوشیدن ذوق هنری نباید احساس تحقیر شدن داشته باشیم، بلکه باید راحت باشیم و احساس امنیت کنیم. در این شرایط آدم رفته‌رفته دلش بازی می‌شود. آدم‌ها غالباً گارد بسته‌ای دارند اما وقتی این گارد باز می‌شود یک چیزهایی وارد وجودش می‌شود.

سید ناصر هاشم‌زاده: هر هنرمندی تجربه‌هایی شخصی دارد که اگر این تجربه‌ها وجود نداشته باشد، نمی‌توان درباره آن نوشت. خیلی خطرناک است که از حقایق حرف بزنیم که نسبت به آن‌ها هیچ نسبتی نداریم. اگر یک فیلم می‌خواهد وجه انقلابی، اجتماعی، رئال و سوررئال پیدا کند باید آن فضا را بشناسیم. توجه به فضا و مکان است که معنا می‌دهد و صرف پرداختن به موضوع مقدس فیلم‌نامه شمارا مقدس نخواهد کرد. حتی ممکن است با اینکه یک موضوع دینی انتخاب می‌کنید فیلم‌نامه شما ضد دین شود. ممکن است یک نفر نماز بخواند ولی بشود به آن لعنت کرد. یعنی موضوع او را نجات نمی‌دهد.



وقتی می‌خواهیم درباره انقلاب فیلم بسازیم باید مختصات آن را بشناسیم. اگر شما موضوعی را بد می‌گویید یعنی نسبت به آن موضوع معرفت خوبی ندارید اگر نه آن را درست بیان می‌کردی. تکنیک آموزشی است و همه می‌آموزند ولی شاکله چه؟ فرم و محتوا از هم جداشدنی نیستند اینکه بعضی می‌گویند محتوای خوبی دارم اما فرم ندارم اصلاً درست نیست



احسان محمدحسینی: یک‌بار فرمانده ای از من پرسید تا چند سال دیگر می‌توانیم ۵۰ تا فیلم‌ساز مثل فلان کارگردان داشته باشیم؟ من هر چه فکر کردم دیدم چطور این سؤال را جواب بدهم که توقعی ایجاد نشود. گفتم شما در دانشگاه‌تان تا چند سال دیگر می‌توانید افرادی مثل قاسم سلیمانی، احمد کاظمی تربیت کنید؟ این فرمانده به فکر فرورفت. اما مسئله این است که کسی مثل قاسم سلیمانی از دالان‌های متعددی عبور کرده تا شده قاسم سلیمانی. الان از مسعود ده‌نمکی و نادر طالب‌زاده فقط یک نمونه داریم و هرکدام از این‌ها مراحل سختی را پشت سر گذاشته‌اند تا به اینجا رسیده‌اند. لذا توقع اینکه با کلاس آموزشی و فیلم دیدن به یک قهرمان بزرگ تبدیل بشویم، توقع درستی نیست؛ اما می‌توانیم ظرف یک دهه ۵۰۰ چریک کار درست حوزه هنر تربیت کنیم به طوری که همه آن‌ها کسانی باشند که اگر ما نباشیم بقیه دشمنان را بگیرند و حرفی برای گفتن نداشته باشند.



مسعود ده‌نمکی: شیوه درست دنبال کردن شیوه اصولی فیلم‌سازی همین جشنواره‌ها و آموزش‌ها است. قصه من یک قصه دیگر بوده است. شیوه من جواب نمی‌دهد و توقع هم نداشته باشید که به راحتی شما را ببینند. پوستتان باید کلفت باشد. الآن شما روز خوشتان است که حزب‌اللهی‌ها برای کار کردن امکانات و سازمان دارند. هیچ وقت این طور نبوده. الآن همه چیز دارد در اختیار این قضیه قرار می‌گیرد. آن موقع حتماً از سپاه باید بودجه می‌گرفتیم تا یک نشریه‌ای دریاوریم؛ اما الآن شما با موبایل می‌توانید نشریه بزنید.

از شعار نترسید. شما جرات داشته باشید از شعارتان دفاع کنید. الآن حزب‌اللهی ما می‌خواهد فیلم بسازد، می‌ترسد که شعاری شود. دفاع از باورها تاوان دارد. اگر جرات دفاع از آرمان‌ها را داشته باشید دیده می‌شوید اگر نه مثل بقیه می‌شوید.



محمدحسین نیرومند: امسال بالغ بر ۱۵۰ کار دیدم که تقریباً همه‌شان خوب بودند و در سطحی بودند که بتوانند مفهومی را با زبان سینما منتقل کنند. اینکه که زبان سینما به ادب سینما تبدیل شود خیلی کار می‌برد؛ اما مشهود است که دوستان به زبان سینما مسلط شده‌اند و الآن وقتش است که ادب سینما را که به مسائل زیبایی‌شناسایی می‌پردازد؛ بیاموزند.

این مواردی که گفته شد قبول دارم اما بخشی از هنرها چند وجه دارد. یکی از وجوه کار گرافیک یا سینما، رسانه‌ای بودن آن است اثری که خلق می‌شود قابلیت رسانه‌ای شدن دارد. چون قاعده‌مند می‌شود پس قابلیت تدریس دارد. عمده صحبت دوستان به این سمت رفت که از هنر جنس ودیعه و آسمانی است؛ اما لااقل در بخش رسانه‌ای قابلیت آموزش دارد و زبان دارد.

محمدباقر مفیدی کیا: بیشتر روی صحبت‌ها به شهرستان و به خصوص به خانم‌ها است. اگر در شهرستان‌ها کسی شما را جدی نمی‌گیرد وقتی امکانات و پول نیست و کسی که هنوز خودش را اثبات نکرده است شاید کمتر مورد توجه قرار بگیرد. من در چنین شرایط مشابهی درباره مادر بزرگم فیلم ساختم و اصلاً برایش پول خرج نکردم. من با همین روش از عید تا سیزده بدر فیلم ساختم. فیلمی که مخاطبش فامیل است و هر سال آن را می‌بینیم و کیف می‌کنیم.

تمرین کردن با این شیوه این مزیت را دارد که تکلیفتان را با خودتان روشن می‌کنید و می‌فهمید فیلم‌ساز هستید و استعدادش را دارید یا نه.

حامد بامروت نژاد: از ۲ سال پیش بنا گذاشتیم آموزش همراه با تولید داشته باشیم و کسانی را که حزب‌اللهی هستند و کار می‌سازند شناسایی کردیم. در دوره‌ای از حضور هنرمندانی چون ابوالقاسم طالبی، اسفندیار شهیدی و ناصر هاشم زاده استفاده کردیم. دوستان رفتند و با طرح برگشتند طرح‌هایی که به تولید نزدیک شد یک دوره دیگر برگزار شد که از آن کارها سه کار تولید شد این دوره جامع دوم است که در طی سه روز در حال برگزاری است.





# اخبار اکران‌های مردمی



شهرستان: خوسف  
تاریخ: ۷ دی  
افتتاحیه جشنواره هشتم



استان: آذربایجان شرقی  
شهرستان: آذرشهر  
مکان اکران: مسجد جامع حاج کاظم  
تاریخ اکران: ۸ دی  
افتتاحیه هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار



استان: هرمزگان  
شهر: بندرعباس  
مکان اکران: سجادیه آزادگان  
فیلم اکران شده: من مدیر جلسه‌ام و نماهنگ فتنه شاید  
تاریخ اکران: ۷ دی



شهرستان: مراغه  
مکان: مسجد جامع  
فیلم‌های اکران شده: نماهنگ هم قسم، منم باید برم، وعده صادق  
تاریخ اکران: ۸ دی  
مراسم گرامیداشت حماسه ۸ دی مردم آذربایجان



استان: البرز  
شهرستان: کرج  
مهمانی فامیلی در شب یلدا  
فیلم‌های اکران شده: قابلمه، آبالو خشک



استان: بسمان  
شهر: شهمیرزاد  
مکان اکران: مسجد حضرت ولیعصر (عج)  
تاریخ اکران: ۸ دی  
فیلم‌های اکران شده: من مدیر جلسه‌ام، نماهنگ ۹ دی، فتنه شاید



# کارآمدی؛ عامل گسترش اکران‌ها

گفت‌وگو با حسین متولی، اکران‌کننده ایوان‌کی سمنان

«حسین متولی»، اکران‌کننده و فعال فرهنگی شهر «ایوان‌کی» استان «سمنان» است که به‌تازگی، فعالیتش را در اکران‌های مردمی جشنواره آغاز کرده و در مدت کوتاهی توانسته حدّ نصاب خوبی از اکران‌ها را در سطح شهر و روستاهای اطرافش سامان دهد.

## چطور با جشنواره‌ی عمار آشنا شدید؟

من از قبل، کار فرهنگی می‌کردم. تئاتر، تعزیه و کار در نمایشگاه‌های فرهنگی، از جمله کارهایی بود که در شهرهای مختلف انجام می‌دادم. از طرفی چون به فیلم‌سازی علاقه‌مند بودم، جشنواره عمار و آثارش را دنبال می‌کردم. همین امسال بود که از طریق آقای «واحدی» و خانم «فلاح»، رابطان استانی جشنواره، برای همکاری در اکران‌های مردمی دعوت شدم.

## آغاز همکاری شما با دبیرخانه‌ی استانی، به چه صورتی بود؟

پس از جلسات هماهنگی در دبیرخانه، کار اکران را شروع کردم. در مدت کمتر از ۲ ماه، بالای ۱۲۰ اکران مردمی برگزار کردم. در مساجد، مدارس «آیت‌الله صدر» و «وحدت»، پایگاه‌ها، کتابخانه عمومی، محافل قرآنی و هرجایی در شهر و روستا که امکانش بود، برای مردم فیلم اکران می‌کردم. در روستاهای اطراف، از جمله «چشمه نادی»، «احمدآباد» و «کروس بالا» هم اکران داشتم. این اکران‌ها را در «مسجد جامع»‌های این روستاها انجام می‌دادم. حدود ۷۰ الی ۷۵ اکران را خودم

به‌شخصه انجام دادم و بقیه را هم به اکران‌کننده‌های دیگر سپردم. «ایوان‌کی»، پنج شهید مدافع حرم دارد و ما در خانه‌های هر پنج شهید، اکران داشتیم. در این اکران‌ها، از هم‌زمان شهید، امام جمعه شهرمان و دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در «سپاه انصار» دعوت کرده بودیم. امام جماعت مسجدمان هم، سعی می‌کردند که در همه اکران‌هایی که در مساجد انجام می‌شد، حضور داشته باشند. این کار ایشان، برای ما قوت قلب بود.

## کدام فیلم‌ها بیشتر اکران شدند و مخاطب زیادی را جذب کردند؟

در «ایوان‌کی»، استقبال از آثاری مثل «دایو»، «نبرد نهان»، «سید ابراهیم»، «بختک» و «وارثین»، «برخیزید» و «نبرد پالمیرا» خیلی بالا بود. این آثار، بارها و بارها در مساجد و جاهای دیگر اکران شدند. در اکران فیلم «دایو» در مدرسه «آیت‌الله صدر»، یک بچه ۹ ساله، نزدیک چهار دقیقه فقط گریه می‌کرد. وقتی آدم چنین صحنه‌هایی را می‌بیند، خستگی‌اش در می‌رود. البته کاری که ما می‌کنیم، در مقابل کار کسی که فیلم را می‌سازد، ناچیز است.

## چند نفر در «ایوان‌کی»، «دایو» را دیده‌اند؟

«ایوان‌کی»، حدود هشت هزار نفر جمعیت دارد. فیلم «دایو» در این شهر، برای حدود ۱ هزار و ۵۰۰ نفر اکران شده است. یعنی حدود بیست درصد از مردم «ایوان‌کی»، این فیلم را دیده‌اند. در دهه فجر، جشنواره بزرگی برگزار شده بود که ما در آن، یک غرفه برای عمار دایر کرده بودیم. در این جشنواره هم حدود دو هزار بازدید از اثر «دایو» صورت گرفت. غرفه ما، جایزه بیشترین بازدید از غرفه‌های جشنواره را به خودش اختصاص داد. البته ما در این غرفه، فیلم‌های دیگری از عمار را هم اکران می‌کردیم. اکران در این شهرستان، به‌حدی است که برخی روزها، پانزده، بیست نفری زنگ می‌زدند و از زمان و مکان اکران می‌پرسیدند.

## شما برای رساندن بازخورد اکران‌ها به فیلم‌سازها و کارگردان‌ها، کاری کرده‌اید؟

بله، با کارگردان‌های «نبرد پالمیرا» و «دایو»، به‌صورت تلفنی تماس گرفتیم و بعد هم تصاویر اکران را برای‌شان ارسال کردیم.

# حسینیۀ محله، سینمای انقلاب

ابوالفضل کرمانی‌نسب؛ طلبه و فعال فرهنگی یزد

## بیان مفاهیم اسلامی به زبان هنری

آشنایی من با جشنواره عمار از طریق تبلیغات تلویزیونی بود. اول می‌خواستم فیلم‌های جشنواره را خودم تماشا کنم؛ برای همین به سایت اینترنتی جشنواره سرزدم و آنجا بود که متوجه شدم خود مردم، فیلم‌ها را اکران می‌کنند. «اکران مردمی» برای من که فضای سینما را دوست نداشتم جالب بود. یکی از دغدغه‌های ما این بود که مفاهیم اخلاقی و اسلامی را با زبان هنری به دانش‌آموزانی که در مجموعه فرهنگی ما فعالیت می‌کنند، آموزش بدهیم؛

برای همین، در قسمت اکران‌های مردمی ثبت‌نام کردم.

## اکران سی صد نفری

ما در محله خودمان، حسینیۀ ای به‌نام «امام‌خامنه‌ای» داریم. پارسال در ایام برگزاری جشنواره، این حسینیۀ دوازده روز به سینمای انقلاب تبدیل شد. اکران‌ها با مخاطب بیست نفری شروع شدند و در شب‌های آخر به صد نفر هم رسیدند. هم‌زمان مدارس از ما درخواست نمایش فیلم می‌کردند و ما هم چندین بار اکران‌های سیصد نفری



در مدرسه‌ها برگزار کردیم. ما با توجه به مناسبت‌های مختلف، علاوه‌بر بخش فیلم، از سخنران هم استفاده می‌کردیم. مناطق دیگر هم درخواست اکران می‌کردند و ما هم فیلمی متناسب با موضوعی را که می‌خواستند در اختیارشان می‌گذاشتیم. همچنین در بوستان‌های تاریخی یزد هم اکران‌های مردمی برگزار می‌کردیم. مردم همیشه بانی برگزاری جلسات اکران می‌شدند و هدیه‌ای برای کودکان می‌آوردند.



# مانسازیم، دشمن می سازد

محسن اسلامزاده و روایت از دشواری‌های مستندسازی



محسن اسلامزاده، مستندساز ۳۷ ساله مشهودی است که تاکنون اثرهای فاخری در زمینه جهان اسلام و وحدت اسلامی تولید کرده. او که در کارنامه هنری خود، کارگردانی اثرهایی نظیر «تنها میان طالبان»، «شیخ میباح» و چندین اثر دیگر را دارد، امثال با دو اثر «قصر قند» و «آقای دادستان» راهی هشتمین جشنواره فیلم عمار شده است:

مصاحبه‌شوندگان را جلب کنیم. راضی کردن آدم‌ها برای مصاحبه بسیار زمان‌بر بود. بعضی‌ها نیامدند، بعضی‌ها بعد از چند ماه گفتند که نمی‌آیند. بعضی‌ها هم بعد از چند ماه آمدند. عده‌ای هم برای اینکه کار متوقف شود، شروع به جوسازی علیه فیلم کردند.

## ● اگر ما تولید نکنیم، دشمنان می سازند!

غفلت فیلم‌سازان و غفلت مدیرانی که در این نوع کارها ورود و سرمایه‌گذاری نکرده‌اند، سبب شده در این زمینه کارهای فاخری تولید نشود. در سال‌های اخیر با توجه به یکسری اتفاق‌هایی که افتاده، این نیاز احساس می‌شود که وقایع دهه شصت مجدداً بازخوانی شود. اگر ما از وقایع دهه شصت و اوایل انقلاب اثری تولید نکنیم، دشمن و منحرفان دست‌به‌کار خواهند شد و آن را مطابق میل خود روایت می‌کنند. با تولید اثرهای این‌چنینی امیدواریم تاریخی تحریف‌شده، تحویل نسل بعدی ندهیم. البته، خوشبختانه در طی چندین سال اخیر تعدادی اثر خوب ساخته شده، آن‌شالله که این روند رشد و تصاعد داشته باشد. پرداختن به این موضوعات، سبب جلوگیری از تحریف تاریخ می‌شود. جوانانی هم که آن روزها نبوده‌اند، باید بدانند که این انقلاب چه بحران‌ها و فتنه‌هایی را پشت سر گذاشته تا به اینجا رسیده است.

## ● عمار، فضایی برای رشد هنرمندان و اثرهای انقلابی

عمار توانست برای فیلم‌سازان جدید که کارهایشان دیده نمی‌شود و کمتر کسی به آن‌ها بها می‌دهد، فضایی برای دیده شدن ایجاد کند و فیلم‌های آنان را به مخاطبان انتقال دهد. فیلم‌سازان با جشنواره اعتماد به نفس پیدا می‌کنند که این اعتماد به نفس سبب تولید کارهای فاخرتر در آینده، توسط آن‌ها می‌شود.

عملیاتی حتی جزئی‌ترین مواردی که اتفاق می‌افتد، می‌تواند مشکلاتی را برای فیلم‌ساز و گروه تولید ایجاد کند؛ مشکلاتی که راهی برای بازگشت از آن وجود ندارد، یعنی در همان لحظه، هر چه را که توانستی بگیری، گرفتی وگرنه دیگر راه برگشتی نیست. در مستند قصر قند هم وضعیت به‌گونه‌ای بود که دمای هوا بالای ۵۰ درجه بود؛ گرمی هوا بر روی تجهیزات تأثیر داشت و بعضاً باعث ازکارافتادن دوربین‌ها می‌شد؛ حتی خودمان را هم تا مرز تشنج می‌برد. الحمدالله عملیات موفق بود توانستیم فیلم‌های خوبی از تمام رخدادها ثبت کنیم.

## ● موضوع «آقای دادستان»

حوزه اصلی کار من، جهان اسلام و وحدت اسلامی است و در کشورهای مختلفی کار کرده‌ام؛ اما دوست داشتم در تاریخ انقلاب هم تجربه‌ای داشته باشم. با مشورت‌هایی که کردم، تصمیم به ساخت این مستند گرفتم.

«آقای دادستان» مستندی ۶۷ دقیقه‌ای است که بخشی از زندگی شهید لاجوردی، رئیس پیشین زندان اوین و وقایع دهه شصت را به تصویر می‌کشد. نقطه برجسته این اثر مصاحبه با اشخاص مختلف است. توانستیم اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق را پیدا کنیم و با آن‌هایی که مستقیماً زیر دست شهید لاجوردی بوده‌اند، صحبت‌هایی کنیم. توانستیم از زبان زندانی‌های تحت نظارت شهید لاجوردی روایت‌هایی به دست بیاوریم. با کسانی صحبت کردیم که محکوم به اعدام بوده‌اند؛ اما توبه کرده و بخشیده شده‌اند. در آقای دادستان، سعی کردیم فیلمی مربوط به وقایع دهه شصت، با یک روایت مستندگونه و با تمرکز بر شهید لاجوردی تولید کنیم. در طول ساخت مستند، با اتفاقات متعددی روبه‌رو شدیم. مصاحبه‌ها لغو شد. درخواست مصاحبه‌ایمان رد شد و مجبور بودیم چندین ماه تلاش کنیم تا اعتماد

## ● درباره بزرگ‌ترین گروه تروریستی شرق

چندین وقت پیش متوجه شدیم که تیمی تروریستی داخل کشور آمده و سپاه در حال برخورد با آن‌هاست. راهی آنجا شدیم و ضبط مستند «قصر قند» را شروع کردیم. قصر قند، مستندی درباره بزرگ‌ترین گروه تروریست شرق کشور است که بعد از ۲۵ سال دستگیر شده‌اند. دستگیری این تروریست یک شکار بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران بود، چرا که قنبرزهی مادر تمام گروه‌های تروریستی شرق کشور بود و به قول یکی از اعضای عملیات، همانند ابوبکر بغدادی در شرق کشور بود.

با توجه به اینکه در سال جاری، حادثه حمله تروریستی به مجلس را داشتیم، احساس کردیم که از این عملیات ضدتروریستی می‌توان یک مستند خوب و فاخر تهیه کرد. قصر قند مستند و تجربه بسیار خوبی بود که تولید آن سریع انجام شد و در قالب یک مستند ۵۴ دقیقه‌ای تدوین شد.

## ● مصاحبه با تکفیری

در این پروژه، یک نفر از اعضای این گروهک را که سال گذشته هم در عملیاتی شرکت کرده بود، برای مصاحبه آوردیم. در واقع نگاه ما در قصر قند این بود، افراد و آدم‌هایی که به عنوان تروریست وارد کشور ما شده‌اند، چه کسانی هستند و با چه انگیزه‌ای وارد این جریان شده‌اند.

## ● گاهی راه برگشتی نیست

برای رخدادهایی که در این جور فضاها اتفاق می‌افتند، گروه تولید باید بدون فوت وقت، مانند یک سرباز سر حادثه حاضر شوند و کارشان را شروع کنند. به‌عنوان مثال سر همین کار، ما در بیابانی بودیم که برق نداشت و به شدت کمبودهایی بود که نبود آن‌ها به شدت احساس می‌شد و ضروری بود. در مناطق







نگاهی به مستند «حاصل فصل من»

## ساده دوست‌داشتنی

احسان سالمی

روستاها محیط‌های بکری برای مستندسازی هستند. منظره‌هایی چشم‌نواز که قرار گرفتن آن‌ها در قاب دوربین هر اثری به خودی خود باعث جذاب‌تر شدن آن اثر خواهد شد. این محیط بکر در مستند «حاصل فصل من» به‌عنوان بستری برای روایت قصه سلیمه نصیری مورد استفاده قرار گرفته است. دختری روستایی که برای تحقق آرزویش در جهت کمک به مردم روستا برای داشتن زمین‌هایی خالی از اوقات کشاورزی، به دانشگاه می‌رود و پس از اتمام تحصیل به زادگاهش بازمی‌گردد ولی برخوردهای سرد اهالی روستا با او و عدم پذیرش توصیه‌های علمی‌اش، زمینه‌ساز اتفاقاتی تازه برای او می‌شود.

روایت «حاصل فصل من» قصه‌ای سراسر است و تا حدودی معمولی است، ولی آنچه باعث شده این قصه معمولی جذابیت بیشتری پیدا کند، فهم درست کارگردان در استفاده از تکنیک برای بالا بردن ریتم و پوشش برخی از ضعف‌های قصه و پر کردن خلل و فرج‌های موجود در آن است. روشی که باعث شده تا «حاصل فصل من» با وجود قصه ساده و نه چندان پرافت و خیزش باز هم بتواند مخاطب را در طی زمان حدود نیم‌ساعت‌اش با خود همراه کند.

به‌عنوان یک مخاطب اصلی‌ترین نقطه قوت «حاصل فصل من» را در فیلم‌برداری آن می‌دانم. استفاده از جذابیت بصری روستا و گرفتن نماهایی باز از این بکرانند چشم‌نواز در کنار قاب‌بندی‌های خوب در جریان شرح اتفاقات پیش‌آمده در ارتباط با حضور شخصیت اصلی اثر در میان اهالی روستا که در ابتدا با واکنش سرد آن‌ها روبرو می‌شود؛ ولی در ادامه و پس از آن که آفت‌های گیاهی منجر به تخریب محصولات آن‌ها شد، منجر به مراجعه کشاورزان به شخصیت اصلی و آغاز مبارزه آن‌ها با آفت‌های گندم می‌شود، همه از جمله موضوعاتی هستند که باعث ارتقای کیفی اثر شده است.

اما گذشته از بحث‌های فنی و ضعف‌ها و قوت‌هایی که بدون شک در هر اثر نمایشی و مستندی وجود دارد، ارزشمندترین وجه این مستند را باید موضوع و سوژه محوری آن دانست. اهمیت توجه به مسئله کارآفرینی به‌ویژه در سطح روستاها و جلوگیری از پدیده رو به گسترش مهاجرت به شهرها که در این مستند به آن اشاره شده، مسئله مهمی است که متأسفانه در اغلب آثار نمایشی (چه داستانی و چه مستند) مغفول مانده و بدون شک ساخت چنین مستندهایی در ارتباط با نمونه‌های موفق که توانستند با نیازسنجی درست در ارتباط با نیازهای روستا و با شهرستان محل زندگی خود، شرایط کسب درآمد و ادامه زندگی در آنجا را فراهم کنند، می‌تواند برای بسیاری دیگر از افرادی که در چنین موقعیتی هستند، انگیزه‌بخش باشد.



## وعده شیرین، حاصل تلخ

کارگردان «نردبان فریب» از شگردهای غرب برای جلوگیری از پیشرفت کشورها می‌گوید

هادی اینانو شوهرودی، فیلم‌ساز ۲۸ ساله تهرانی است که حرفه مستندسازی را از برنامه تریا آغاز کرده. او در برنامه تریا به‌عنوان پژوهشگر مشغول فعالیت بوده و در کار خود تحقیقات زیادی درباره مسائل مختلفی انجام داده است. اینانو در قسمتی از برنامه تریا به توافق اقلیمی پاریس، و جوانب عضویت ایران در آن می‌پردازد و آن را از لحاظ علمی نقد می‌کند.

### ● واژه «نردبان فریب» به چه چیزی اشاره دارد؟

«نردبان فریب» برگرفته از آن است که کشورهای غربی تلاش می‌کنند با نردبان‌هایی خود را بالاتر از کشورهای بربند و پس از اینکه بالا رفتند، آن‌ها را خراب می‌کنند تا کشورهای دیگر به فناوری، اقتصاد، سیاست یا هر چیز جالبی را هم در پیش می‌گیرند؛ مثلاً می‌گویند فناوری هسته‌ای یا منابع سوخت فسیلی برای کره زمین ضرر دارد و برای بقای زمین، هیچ کشوری نباید از آن استفاده کند. در ادامه هم رقابتی بین کشورها به وجود می‌آورند و آن‌ها را برای استفاده نکردن از فناوری ترغیب می‌کنند. همه این رخدادها به سرعت اتفاق می‌افتد و کسی هم درباره صحت یا اشتباه بودن آن‌ها تحقیقی نمی‌کند. ما در دوره‌های مختلف به توافقات مختلفی پیوستیم؛ اما با گذر زمان متوجه شدیم که این توافقات فقط به ضرر ما و به نفع کشورهای استکبار بوده؛ به‌عنوان مثال، در مورد مسائل هسته‌ای، به ما وعده شیرین فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را دادند، اما حاصل این توافقات دسترسی کشورهای خارجی به اطلاعات مراکز هسته‌ای و ترور دانشمندان ما شد. ضرب‌المثلی هست که می‌گوید «جلوی ضرر را از هر جا بگیرد منع است». ما باید جلوی این توافقات ناعادلانه و هزینه‌زا را بگیریم. ما در مستند «نردبان فریب» به نقد و بررسی توافقات اقلیمی پاریس و حواشی پیوستن ایران به این توافقات می‌پردازیم.

### ● وضعیت کنونی ایران در این توافق چگونه است؟

بعد از آگاه شدن مردم و مسئولین از مضرات پیوستن

ایران به این توافق، جلوی تصویب آن در مجلس گرفته شد. اما این اولین و آخرین توافقی نیست که قصد تحمیل به ما را دارند؛ مسئولین ما باید به این باور برسند که کشورهای استکباری هیچ‌وقت خیر ما را نخواسته‌اند و نمی‌خواهند.

تمام کشورها، زمانی که در حال پیشرفت بوده‌اند، استفاده چند برابری از سوخت‌های فسیلی و تولید چند برابری گازهای گلخانه‌ای را داشته‌اند، چون توسعه و تولید بدون مصرف انرژی اتفاق نمی‌افتد. در این چندساله اخیر به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده در برجام، برای استفاده از انرژی هسته‌ای به‌عنوان یکی از منابع سوخت پاک و بدون گاز آلاینده، چاره‌ای جز استفاده از سوخت‌های فسیلی نداریم. مصرف نکردن سوخت‌های فسیلی به معنای وابستگی به کشورهای غربی برای تأمین منابع انرژی غیر از سوخت‌های فسیلی است، که عقب‌افتادگی علمی را در پی دارد.

### ● چرا پخش این مستند چندین بار متوقف شد؟

سازمان محیط‌زیست برای عضویت ایران در این توافق هزینه‌های بسیاری کرده بود و حتی خانم ابتکار (رئیس سازمان محیط‌زیست) با رئیس جمهور فرانسه دیدار و گفت‌وگو کرده بود، و این توافق را دستاوردی برای دولت مطرح می‌کردند. حالا یک نفر آمده و این توافق و نقش انسان را در گرمایش زمین به‌صورت علمی رد می‌کند. این موضوع برای دوستان خیلی گران تمام می‌شد. فشار روی صداوسیما بالا گرفت و گفتند قبل از پخش باید توسط ما نقد شود [که حرف خیلی مضحکی بود] اما بالاخره علی‌رغم تماس سختی‌ها این مستند پخش شد.



# چگونه بازیگر شویم؟

می‌کنند؛ کافی است با اقدامی عاقلانه و به موقع سرمایه‌گذاری کنید.  
 ۴- این گزینه برای کسانی که سابقه بازیگری هرچند کوتاهی دارند و متمایل به سفر به خارج از مرزها هستند، پیشنهاد می‌شود. کافی است از ایران خارج شده و عکس‌های خود را متناسب با شعری از سعدی که می‌گویید: «نه همین لباس زیباست نشان آدمیت» در فضای مجازی منتشر کنید؛ پس از آن می‌توانید در سایر کشورها مانند ترکیه، مشغول به کار شوید.  
 لازم به ذکر است که اگر شخصی پس از انجام این گزینه‌ها نتوانست به مقصود خود برسد، هرچه سریع‌تر هدف و علاقه خود را تغییر داده و جمعی را آسوده نماید.

علیرضا تابی

اگر شما هم به بازیگری علاقه دارید و نمی‌دانید از کجا شروع کنید پیشنهاد می‌کنیم طبق روش‌های زیر اقدام کنید:

- ۱- مؤثرترین قدم، شرکت در کلاس‌های بازیگری است. می‌توانید با کارگردانان و بازیگران شاخص آشنا شده و روی آنها به صورت خیلی ناملموس تأثیر بگذارید تا شاید از شما دعوت به همکاری کنند.
- ۲- داشتن صورت و اندامی متناسب که شامل حداقل دماغی تراشیده و چشمانی رنگین است. برخی از این اقدامات به راحتی با تشخیص پزشک زیبایی، قابل دستیابی است.
- ۳ جناح‌های سیاسی علی‌الخصوص در ایام انتخابات شروع به جمع‌آوری رأی از طریق بازیگران

پیرگشته فضای سینما از یک عده سلبریتی مشهور	خوردند به جای خاک صحنه سیب و آناناس و موز و انگور	هرچند که می‌شوند گه‌گاه در یک برش از سکانس، سانسور	مامانی گریه‌های نازند یا جانور مگور و گوگور
آوازه نامشان رسیده از قونیه تا به خاور دور	استاد مسلمند اینان البته برای ژست و فیگور	در صفحه اینستا به ارشاد عمراً ندهند فحش ناجور	القصه برای سینمامان وقتی که شده ست وضع این جور
هریک دو سه دکتر گرفتند از وادی پشت سد کنکور	از بازی شان، سمندریان لرزیده تنش مدام درگور	فک و لب و گونه را سپردند صد بار به زیر تیغ و ساطور	یارب تو عنایتی بفرما بر حال بد مریض منظور
صاحب نظرند در سیاست هستند یه پارئیس جمهور	از هیئت داوران اگر چه سیمرخ طلب کنند با زور	مردان همه رفته زیر ابرو ابروی نساء خورده هاشور	گردیر شده ست هم بخوانید الفاتحه للفقیید مغفور
انداخته پیش پایشان لنگ بازیگر مرد فیلم «بن هور»	خواهند همیشه حقشان را از هیئت داوران مذکور	بی پارتی اند و بی معترف بی میل به مافیای منفور	محمد رضا درخشان

## نیازمندی‌ها

مزایده  
 واگذاری یک سلبریتی یا تمام امکانات به بالاترین قیمت  
 فالوور بالای ۱۰۰k  
 لایک خور  
 قیمت توافقی  
 فقط کارگردان زنگ بزنه

زهرا صفوی

### آماده همکاری

قابل توجه شرکت‌کنندگان جشنواره‌های سینمایی  
 دوخت پینه‌ها و درزهای لباس در کمترین زمان ممکن و با کمترین هزینه

فاطمه سادات آزاده

کمترین زمان تحویل فیلم  
 را از ما بخواهید!  
 دارنده نشان سفارشی «زن برتر»  
 آماده همکاری با کلیه نهادها و ارگان‌های دولتی

شادی عسکری

### استخدام بازیگر زن

توانا در اجرای نقش مادر، همسر، دوست خانوادگی، هم‌دانشگاهی، هم‌کلاسی، دوست اجتماعی، جاداداشمه، جاست فرزند و...

علیرضا تابی



# کی و کجا اکران کنیم؟

## کی؟

برای اکران نمی‌توان زمانی مشخص کرد. هر لحظه که شرایط مناسب بود، می‌توان فیلم‌ها را پخش کرد. برای انتخاب زمان به این دو نکته توجه داشته باشیم.

به اتفاقات و حوادث روز واکنش سریع نشان دهیم

فرصت شناس باشیم

باید توجه داشته باشیم که اکران فقط مخصوص ایام جشنواره نیست؛ اثرگذاری آن زمانی است که به صورت مستمر، در طول سال و مطابق با ایام مختلف انجام شود.



## کجا؟

باید تلاش کنیم تا مصرف فرهنگی مردم را از نظر کمی و کیفی بالا ببریم. وقتی با این دید به قضیه نگاه کنیم، تک تک مخاطبان برایمان ارزش پیدا می‌کنند و هر جایی که جمعی به دور هم هستند از جمله مهمانی‌ها، کلاس درس، مسجد و... می‌تواند مکان مناسبی برای اکران باشد. این تصور که اکران فیلم‌ها حتماً باید در سینما و سالن آمفی تئاتر برگزار شود تصویری کلیشه‌ای است، باید از این‌ها عبور کنیم و کاری ابتکاری انجام دهیم.

یکی از خطرات کارهای ابتکاری این است که چون خیلی دلنشین و جذاب است، سریع اقناع می‌شویم. ابتکارهای ما باید به گونه‌ای باشد که به گسترش و درگیر کردن مردم کمک کند.

## محل نمایش

محل نمایش باید فضای کافی برای نشستن مخاطبان داشته باشد.

محیط اکران باید به گونه‌ای باشد که سرو صدای زیادی وجود نداشته باشد.

بهبتر است محل نمایش طوری باشد که بتوان کمی تاریک کرد تا تصویر بهتر دیده بشود.

چند نمونه از مکان‌های مناسب برای اکران



مدرسه



اردوهای جهادی



کوچه



اتوبوس



منزل



مسجد



# فیلم‌های امروز: یکشنبه ۱۰ دی ماه

## «تجارت ابدی»: تقابل بانک و قرض الحسنه

بانکی، مشکل فقدان سیستم بانکی سالم و سوق دادن مردم به رباخواری را نیز به چالش می‌کشد و در مصاحبه با افرادی که در عین داشتن مشکل مالی موفق به دریافت وام نشده‌اند و با مراجعه به صندوق قرض الحسنه دریافت وام کرده‌اند، به حسنات صندوق‌های قرض الحسنه اشاره می‌کند.

در انتهای این مستند ۲۲ دقیقه‌ای با بررسی موردی یکی از صندوق‌های قرض الحسنه شهر نجف‌آباد به بیان شیوه‌ی اداره این صندوق‌ها و چگونگی تأمین خرج و مخارج و میزان کارکرد آن‌ها از سال تأسیس آن تا به امروز می‌پردازد.

پول و وام دو کلید واژه مهم و اثرگذار در زندگی مردم است که شاید هر کس در فصل‌های مختلف زندگی‌اش با این دو واژه زیاد سروکار داشته است. دو واژه‌ای که سوزده مستند «تجارت ابدی» به کارگردانی محسن نقی زاده و امیرمنیری قرار گرفته و کارگردانان آن به دنبال بررسی نقاط قوت وام‌های صندوق قرض الحسنه در برابر نقاط ضعف وام‌های بانکی بوده و سعی کرده‌اند با شیوه‌ای خلاقانه و قرار دادن پول به‌عنوان راوی مستند خود، مخاطب را تا حدودی با اثر همراه کنند.

این مستند افزون بر بررسی مشکلات دریافت وام‌های



## «آهوانه»: یادگاری زائران حرم امام رضا علیه السلام

زیارت را با دست‌رنجشان برای دختران هم‌سن و سالشان شیرین‌تر کنند. آن‌ها با نمد و پارچه، عروسک آهو درست می‌کنند و در خیابان امام رضا (ع) و روبه‌روی حرم، آن را به دختران نوجوانان هدیه می‌دهند.

اثر ۱۰ دقیقه‌ای آهوانه را روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری مشهد تهیه کرده و محمدمهدی خالقی نویسنده‌ی کارگردانی آن را عده‌دار بوده است.

مشهدالرضا از دیرباز برای هر ایرانی دیار عاشقان بوده و هست، خاطره‌خانه‌ای که هزاران هزار زائر از راه‌های دور و نزدیک با دل‌هایی آکنده از امید به گره‌گشایی امام مهربانی‌ها، به مشهد می‌آیند و در انتها با صندوقچه‌ای پر از امید و آرزو سوار بر قطار، شهر مشهد را ترک می‌کنند.

آهوانه مستندی کوتاه از حرکتی جالب از سوی دو دختر نوجوان مشهدی است. دو خواهری که می‌خواهند طعم



## «روهینگیازخم زمین»

پیش روی آن‌هاست. خطر غرق شدن در رودخانه، گرسنگی و بیماری و آوارگی و مشکلاتی از این دست در پیش است؛ اما آن‌ها چاره‌ای جز فرار ندارند.

دکتر انجم شعاع بعد از آشنایی با یک پزشک جوان بنگلادشی، نیازسنجی دارویی انجام داده و اقدام به احداث دو کمپ پزشکی می‌کند تا یکی از اصلی‌ترین نیازهای مردم آواره یعنی مواجهه با بیماری‌های عفونی ناشی از سوء تغذیه را برطرف کند.

دکتر علی انجم شعاع رئیس بیمارستان پاستور مشهد است. پزشکی که دوران دفاع مقدس را تجربه کرده و حتی سابقه سفر به عراق و سوریه را هم دارد. زمانی که از شرایط بحرانی مسلمانان میانمار آگاه می‌شود تصمیم می‌گیرد به آنجا رفته و به مردم محروم میانمار خدمت کند. دکتر انجم شعاع، مسئله این سفر را با همکاری دکتر محمدرشید فرخی مطرح می‌کند و باهم به آنجا می‌روند. سفر این دو پزشک به میانمار دریچه‌ای به روی ما باز می‌کند تا با مشکلات و سختی‌هایی که مسلمانان آنجا تجربه می‌کنند، مواجه شویم. فرار به بنگلادش یکی از راه‌های



## کالای تحریم نشده!

گرم شدن ایران و از بین رفتن مراتع، باید توجه بیشتری به پرورش شتر کرد؛ چون ارزش غذایی گوشت و شیر آن در درمان سرطان، پوکی استخوان فراوان است و ابعاد اشتغال‌زایی گسترده‌ای می‌پردازد.

این مستند سؤال مهمی را مطرح می‌کند که در ذهن مخاطب می‌ماند. آن سؤال این است که چرا آمریکا با وجود تحریم‌های داروهای بیماران سرطانی و قطعات هواپیما، حاضر به تحریم فرآورده‌های دامی به کشور ما نشده است؟

مستند «اسپریم آمریکایی» به بررسی نحوه تغییر ژنتیک دام‌های کشور می‌پردازد. واردات اسپریم و مواد غذایی صنعتی ترا ریخته باعث از بین رفتن نژادهای بومی گاوهای کشور شده. این مستند در ادامه تذکر می‌دهد که روند اصلاح نژاد در کمین بزها و گوسفندهای ایرانی هم هست. اهمیت نژاد بومی در این است که با اقلیم آب‌وهوایی و منابع غذایی ایران رشد کرده و زندگی کرده.

در ادامه این مستند پیشنهاد می‌دهد که با توجه به







# چرا باید برای فتنه ۸۸ فیلم ساخت؟

یادداشتی در تبیین فتنه



امین فرج‌اللهی

استقبال از فیلم‌هایی مثل قلاده‌های طلا، ماجرای نیمروز، سیانور و بادیگارد نشان داد که «سینمای تاریخی» می‌تواند در کنار فیلم‌های روشنفکری و فیلم‌فارسی‌ها مخاطبان را جذب کند. لزوم پرداختن به فیلم‌های تاریخی سیاسی از دو جهت قابل بررسی است:

اول اینکه هرچه میزان لمس و تعامل عینی و ذهنی مردم با مسائل سیاسی و تاریخی و تجربه زیستنشان با آن بیشتر باشد، فیلمی که درباره آن ساخته شود بهتر با جامعه ارتباط می‌گیرد، به شرط آن که این ویژگی‌های محتوایی، با پرداخت خوب هنری همراه شود. چراکه مردم را به خاطرات روزهایی می‌برد که در آن زندگی کرده‌اند. هرچه فیلم بیشتر و بهتر بتواند آن مقطع تاریخی را شبیه‌سازی کند، به خاطرات مخاطب عمومی‌اش نزدیک‌تر می‌شود.

در سال‌های دهه شصت، منافقین مسئله خیلی از خانواده‌ها بود. در هر فامیل و خانواده‌های سمپات‌های

رقیق و غلیظ سازمان پیدا می‌شد که خیلی هایشان، بعد از تقابل‌ها علنی سازمان و جمهوری اسلامی دست از هواداری برداشته‌اند و حالا پدر و مادرهای نسل جدید هستند. فیلم‌های سینمایی با موضوع منافقین به همین خاطر برای این نسل جذاب و گیرا خواهد بود؛ و برای نسل متولدین دهه‌های بعد هم به این دلیل که خاطرات آن روزها را از زبان نسل قبل شنیده‌اند.

فتنه ۸۸ هم میلیون‌ها ایرانی را ماه‌ها درگیر خود کرده بود. خیلی از مردم عادی و خانواده‌هایشان روز و شب با تنش‌ها و درگیری‌های ذهنی و جسمی‌اش زیست کرده بودند، بازاری‌هایی که کسب‌وکارشان تعطیل شد، دانشجو‌ها، بسیجی‌ها و حزب‌اللهی‌ها و آن‌هایی که سال‌ها با صندوق رأی قهر بودند. پیر و جوان و زن و مرد هشت ماه و بلکه بیشتر با فراخوان‌های اعتراضی، بیانیه‌های اینترنتی، فیس‌بوک و توئیتر و گزارش‌های صداوسیما زندگی کردند.

دوم اینکه مسائل سیاسی از دو حیث اهمیت دارند، یکی نتیجه آن قضیه است که چطور پایان یافت و مسئله بعدی، «روایت تاریخی» آن است. ممکن است یک نظام سیاسی در غائله‌ای موفق شود آن را مهار کند، اما آنچه باید در مرحله بعد اتفاق بیفتد، تثبیت روایت تاریخی درست از آن است. نسل گذشته که با

چالش مجاهدین خلق درگیر بود، پس از حل مسئله با نوشتن کتاب‌های متعدد کوشید آن را مستند و روایت تاریخی‌اش را تا حدی تولید و تثبیت کند. گام بعدی پس از مه‌ار فتنه ۸۸ هم تولید روایت تاریخی صحیح و واقعی و تثبیت آن است.

به خصوص این مسئله وقتی مهم‌تر می‌شود که جریان حامی فتنه هم در تلاش برای تولید و اثبات روایت تاریخی خود از طریق ساخت فیلم است. در برابر روایت جریان حامی نظام، روایت‌های رقیق و غلیظی هست که هرچند در برخی روایت‌ها و قضاوت‌ها باهم تفاوت دارند، اما ویژگی مشترکشان رد روایت اصلی جریان حامی نظام از فتنه و مخدوش کردن آن در اذهان است.

هشت ماه فتنه سال ۸۸ آن قدر اتفاقات متنوعی دارد که هرکدام به‌طور جداگانه قابلیت پرداخت سینمایی دارند. اخراجی‌ها، قلاده‌های طلا و پایان‌نامه هرکدام از زاویه‌ای به فتنه نگاه کرده‌اند. فضای دانشجویی ملت‌هپ آن روزها، پشت پرده‌های امنیتی، زندگی عادی مردم، ستادهای انتخاباتی، روز قدس، ۲۲ بهمن، ۱۳ آبان؛ همه از موضوعاتی هستند که می‌توانند دست‌مایه ساخت فیلم قرار بگیرند.





# فتنه شناسی، اولویت‌ها و پیامدها

هشت سال بعد از فتنه هشتادوهشت، چه حرف‌های زده‌ای سختی باقی مانده است



مجید بذرافکن

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ  
 بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!» سوره مبارکه یوسف آیه ۱۰۸

وقتی شیپور جنگ نواخته می‌شود، مرد از نامرد شناخته می‌شود... شهید دکتر مصطفی چمران

«جشنواره عمار»، ندای بصیرت‌مندی و بصیرت‌بخشی جمعی از هوشیاران و بیداران جامعه انقلابی کشور در عرصه سینما و تصویر بود که در سال ۸۸ به دنبال انجام تکلیف در زمانه شبهه، به راه افتادند و امسال به هشتمین منزل خود می‌رسند.

معماهای تاریخی سیاسی درگذر ایام به تدریج حل می‌شوند و پیچیدگی‌های اولیه خود را از دست می‌دهد و یا اینکه از گردونه بررسی و تفکر خارج شده

و به فراموشی سپرده می‌شوند. اما فتنه‌ای که بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در کشور به وقوع پیوست واجد ویژگی‌هایی بود که همچنان در کانون توجهات جریان‌های سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی کشور قرار دارد و به صورت یک نقطه عطف مورد استناد قرار می‌گیرد.

عده‌ای همچنان مطالبات ناحق و مالیخولیایی خود را تکرار می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی در سال ۸۸ تقلب کرده و محمود احمدی‌نژاد را به ناحق بر کرسی ریاست جمهوری نشانده است. در طرف دیگر هم گروهی با جدیت اصرار دارند که ظلم و خیانتی که در حق جمهوری اسلامی صورت گرفته به خوبی بیان نشده و کارگزاران فتنه بدون عقوبت و مجازات اکنون به پست‌های کلیدی اداره کشور دست یافته‌اند. در این میانه هم دسته‌ای به دنبال فراموشاندن و اصرار بر کم‌اهمیت بودن ماجرا در چشم طرفین دعا داشته و همه را به زعم خود توصیه برگزشت و بزرگواری می‌کنند.

همین وضع توصیف شده، خود گواهی می‌دهد که «علت موجهه» جشنواره عمار همچنان برقرار و پرتیش است. حال اگر خدای ناکرده در جشنواره عمار نسبت به این امر غفلت شود، نقض غرض شده و مشروعیت این حرکت اصیل کم‌رنگ می‌شود. فتنه ۸۸، چند رکن اصلی دارد:

اول اصل شبهه، یعنی وقوع تقلب گسترده و تغییر نتیجه آرای کسب‌شده میرحسین موسوی به سود محمود احمدی‌نژاد

دوم کارگزاران و بنیان این شبهه و فتنه‌انگیزان میدانی بودند.

سومین رکن مجموعه مخالف و مدعی سلامت انتخابات

چهارمین رکن مهم فتنه، سازوکار و مکانیسم وقوع، گسترش و حل یک فتنه سیاسی-اجتماعی در میان جامعه اسلامی است.

در هر چهار رکن فوق مطالبی از سوی گویندگان و فیلم‌سازان همسو با امام و امت، گفته شده است ولیکن می‌توان نکات دیگری را برشمرد که مورد توجه کافی قرار نگرفته‌اند و امروزه لازم است محل بررسی قرار گیرند.

## ● فتنه‌شناسی

آثاری در پاسخ به عدم امکان وقوع تقلب در صندوق آرای انتخابات ریاست جمهوری ساخته شده که در چندلایه قابل‌پردازش است. اول بررسی سامانه و سازوکار جمع‌آوری آرای مردم در انتخابات ریاست جمهوری در کشور. دوم نگاهی به ساخت سیاسی نظام و نتایج مختلفی که در دولت‌های مختلف به دست آمده است، حتی نتیجه انتخابات



با نگاه به گروه‌ها و دستگاه‌های مرجع پاسخ سؤال خود را پیدا می‌کنند. از سوی دیگر رهبر نیز اقامه حق و راهبری امت را از مجرا و به اتکای دستگاه‌های تبلیغی منتسب به خود باید اقدام کند و اقدام مستقیم فردی نه امکان پذیر است و نه به صلاح است.

یکی از مهم‌ترین تکالیف و رویکردهایی که رهبر انقلاب از گروه‌های مرجع انتظار داشت، صراحت، دقت و سرعت در پاسخ به شبهات و ابهامات بود. صداوسیما به‌عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دستگاه تبلیغی و اطلاع‌رسانی کشور، در فتنه ۸۸ با چه آرایش و نقشه جنگی وارد میدان مبارزه با جنگ رسانه‌ای دشمن شده بود؟! این دستگاه تا چه میزان توانست نقش روشنگرانه خود را ایفا کند؟ آسیب‌شناسی عملکرد صداوسیما در فتنه ۸۸ برای کاوشگران و علاقه‌مندان کاملاً ضرورت دارد. خصوصیت فتنه این نیست که باطل با پرچم باطل سربلند کرده و میدان داری می‌کند، از طرف دیگر لزوماً این ناتوانی خواص جبهه حق نیست که اسباب شبهه را فراهم می‌آورد، بلکه دسته‌ای از مؤمنین مورد رجوع و استناد مردم هستند که در فتنه یا اعلام موضع نمی‌کنند و یا دوپهلوی و مبهم موضع می‌گیرند. صداوسیما به‌خودی‌خود، یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع جمهوری اسلامی به حساب می‌آید و حال سؤال اینجاست آیا صداوسیما علیرغم همه خدمات و زحماتی که انجام داد توانست شبهه و دروغ تقلب را با سرعت و قدرت لازم پاسخ دهد؟ اگر پاسخ به این سؤال منفی است، علت آن چیست؟

پس از صداوسیما، رئیس‌جمهور وقت، دکتر احمدی‌نژاد، به‌عنوان دارنده سرمایه عظیم ۲۵ میلیونی رأی توانست اولویت را در مهار فتنه تشخیص دهد و دست به اقدام مؤثری برای خنثی کردن فتنه بزند یا خیر؟ انتصاب مشایی به معاون اولی خود حتی قبل تنفیذ حکم ریاست جمهوری چه تأثیری بر حامیان و دوستان وی گذاشت؟ دوستدارانی که عمدتاً هواداران انقلاب و مخالفان سرسخت دروغ تقلب بودند.

رئیس مجلس شورای اسلامی وقت، دکتر علی لاریجانی، چه نقشی ایفا کرد؟ چه کاری از خودش و نهادی که سخنگویی آن را برعهده داشت، برمی‌آید؟ چه اولویت‌هایی را در دستور قرارداد؟

در طرف مقابل افرادی مانند مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی با حضور در انتخابات خبرگان رهبری و حضور در کسوت ریاست خبرگان رهبری چه مشکل و فتنه احتمالی عظیمی را خنثی کردند؟

#### ● پیامدشناسی فتنه

فتنه پیامدهای مختلفی داشت، مثبت و منفی، اجتماعی و اقتصادی، داخلی و خارجی، امنیتی و فرهنگی و غیره. این پیامدها بررسی نشده‌اند.

چه ضررهای اقتصادی به کشور در سطح خرد و در سطح کلان وارد شد؟

چه تفرقه‌ها و چه دوگانگی‌هایی در سطح خرد و کلان کشور ایجاد کرد؟

از سوی دیگر چه اثری بر بصیرت و هوشیاری مردم و چه بازتابی در ذهن مردم منطقه گذاشت؟

گروه‌های سیاسی بعد از فتنه ۸۸ چه وضعیتی پیدا کردند و چه صورت‌بندی جدیدی پیدا کردند؟

نسبت تحریم‌ها، مذاکرات هسته‌ای با فتنه ۸۸ چیست؟

#### ● خاتمه

تحولات اجتماعی در جامعه الهی و توحیدی، بر پایه فتنه و ابتلا تحلیل و توضیح داده می‌شوند، لذا عبرت‌آموزی و توجه به ظرایف فتنه‌ها برای رشد و تکامل یک جامعه زنده و بالنده ضرورت دارد.

مختلف برای مقابله با شبهات و تشنجات سیاسی و همچنین دیدگاه‌های مختلف سیاسی که متکی بر فریب و عملیات روانی غیرالهی، اعتراضات مردم را سرد و با منحرف می‌کنند پرداخت و آن‌ها را با مدیریت متکی بر صبر و بصیرت فرمانده معظم کل قوا مقایسه کرد.

هفتم جزء فتنه طراحان و صحنه‌گردانان اصلی آن، یعنی دشمنان خارجی جمهوری اسلامی هستند. آنچه در باب نقش‌آفرینی دولت‌های آمریکا و انگلیس در فتنه ۸۸ گفته شده است، محدود به سکوت استراتژیک، حمایت توییتری، وقوع کودتاهای رنگی در کشورهای وابسته به بلوک شرق و روسیه و به اظهار امیدواری‌ها و حمایت‌های صریح سران آمریکا و اسرائیل از سران و اصحاب فتنه اشاره شده است. درحالی‌که طراحی چنین اقدامی نیاز به هماهنگی بسیار گسترده محتوایی و مفهومی دارد، بررسی دقیق ساختار مفهومی فتنه، بررسی دقیق اعترافات عناصر بازداشت‌شده فتنه و مقایسه آن با اظهارات اندیشکده‌ها و رسانه‌های اصلی غربی می‌تواند، بدون نیاز به اطلاعات پنهان، مستندسازان و هوشیاران را به نکات کمتر شنیده شده و مهمی رهنمون سازد. برنامه و پروژه فتنه ۸۸ براندازی نظام از طریق ایجاد درگیری‌های داخلی و انشقاق اجتماعی بود و صرفاً یک اعتراض و مطالبه سیاسی نبود.

#### ● اولویت‌شناسی

مجموعه دستگاه‌هایی که منتسب و وابسته به رهبری نظام جمهوری اسلامی بوده و هستند، شرعاً، قانوناً و اخلاقاً می‌بایست تابع خط و رویکرد و ملاحظات رهبری باشند. یکی از سؤالات مهم تاریخ وقایع ۸۸ بررسی عملکرد نهادهایی مانند صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی، مجلس خبرگان، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها و ... در ایام مذکور است. مردم

ریاست جمهوری سال ۹۲ نیز دستمایه‌ای برای این‌گونه پردازش‌های تاریخی است. سوم نگاهی به حیثیت معرفتی و نظری امر در نگاه شرعی و فقهی که به‌عنوان یک حرام قطعی و بی‌بن تلقی می‌شود و موجب سقوط مشروعیت کل نظام می‌شود. چهارم امام خمینی رحمه الله علیه و رهبر انقلاب حفظه الله هر دو در طی دوران راهبری و زعامت امت، تلاش ویژه‌ای برای جلب، حفظ و ارتقای مشارکت سالم در انتخابات‌های متعدد داشته‌اند. مضاف بر مواردی که به‌سختی در برابر احتمال خدشه به رأی مردم و بروز دیکتاتوری اقلیت ایستادگی کرده‌اند. همانند ممانعت از انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۵۷ از سوی حضرت امام تا ممانعت رهبری از تغییر شرایط نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به نفع هاشمی رفسنجانی در سال ۷۵ و ۷۶. پنجم یکی از مواردی که کمتر بدان پرداخته شده است، سابقه ادعاهای پرطمطراق اهمیت دموکراسی و مردم‌سالاری بانیان فتنه است. این سابقه محدود در دو دوره ریاست جمهوری ششم و هفتم کمتر مورد یادآوری قرار گرفته است که چه شعارهایی برای اهمیت و لزوم احترام به رأی مردم داده می‌شد و چه هتاک‌ها و خط‌ونشان‌هایی برای نظام و رهبری به اسم دیکتاتوری و تحمیل اقلیت بر اکثریت، روا داشته شد.

ششم بررسی نقش رهبری در فتنه ۸۸ نیز از نکات مغفول و کمتر پرداخته شده در آثار تولید جبهه انقلاب است. رویکرد آثار محدودی که در باب مدیریت فتنه توسط مقام معظم رهبری بیان شده، صرفاً در حد کلیات اهتمام بر بصیرت‌بخشی و عظمت صبر راهبردی ایشان در مقابل فتنه‌گران بوده است. می‌توان در آثار جدید به‌صورت مقایسه‌ای به رفتار رهبران یا کشورهای



# فیلم های داخلی له جمهوری اسلامی ایران با موضوع فتنه ۸۸

## فیلم سینمایی اخراجی ۳ا



کارگردان: مسعود ده نمکی  
تهیه کننده: مسعود ده نمکی  
سال تولید: ۱۳۸۹  
نگاهی منتقدانه به مناسبات سیاسی و اجتماعی ایران و بررسی رقابت و مناظره دو کاندید ریاست جمهوری در آستانه انتخابات.

## فیلم سینمایی ماه گرفتگی



کارگردان: مسعود اطیابی  
تهیه کننده: هادی انباردار  
سال تولید: ۱۳۹۵  
زندگی یک نیروی امنیتی که پس از انتخابات ۸۸ و افشاشات جامعه با چالش هایی روبرو می شود.

## فیلم سینمایی پایان نامه



کارگردان: حامد کلاهداری  
تهیه کننده: مؤسسه فرهنگی هنری مرآت هنر  
سال تولید: ۱۳۸۵  
۴ دانشجو که به صورت اتفاقی وارد تشکیلاتی مخفی که برای براندازی نظام فعالیت می کنند، می شوند.

## تله فیلم لبه پرتگاه



کارگردان: یعقوب غفاری  
تهیه کننده: علی صفرخانی  
سال تولید: ۱۳۹۳  
قصه زوجی که انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، سیاست پرزندگی شان سایه افکنده.

## تله فیلم ابابیل



کارگردان: جواد مزدآبادی  
تهیه کننده: مرکز سینما فیلم  
سال تولید: ۱۳۹۱  
دگرگونی گروهی از معاندین انقلاب جهت افشاش و مقاومت نیروهای امنیتی ایران با نام «ابابیل».

## تله فیلم مسیر روشن



کارگردان: حسن آخوندپور  
تهیه کننده: حسن آخوندپور  
سال تولید: ۱۳۹۱  
دو برادر که قرار است حامی همدیگر باشند اما پس از انتخابات ۸۸ دچار اختلاف شدید سیاسی می شوند.

## تله فیلم سایه بان



کارگردان: مسعود تکاور  
تهیه کننده: حسن هاشمی نسب  
سال تولید: ۱۳۹۲  
حضور و طیف سیاسی در یک بیمارستان پس از انتخابات سال ۸۸، در آستانه عاشورای حسینی دگرگونی هایی میان آن ها به وجود آورده است.

## فیلم کوتاه بعد از ظهر



کارگردان: امیرعباس ربیعی  
تهیه کننده: جواد اسماعیلی  
سال تولید: ۱۳۹۵  
اتفاقی که برای چندتن از طلبه های حوزه علمیه خواجهان می افتد زمانی که یکی از دختران حاضر در افشاشات ربه حوزه می آید.

## فیلم نیمه بلند لکه



کارگردان: محمد باقر مفیدی کیا  
تهیه کننده: محمدرضا شفاه  
سال تولید: ۱۳۹۲  
ماجرای رویارویی مادر یکی از کشته شدگان فتنه ۸۸ با یکی از سردمداران فتنه ۸۸.

## فیلم سینمایی قلاده های طلا



کارگردان: ابوالقاسم طالبی  
تهیه کننده: محمد خزاعی  
سال تولید: ۱۳۹۰  
روایتی از جاسوس های داخلی و خارجی که برای برهم زدن امنیت کشور پس از انتخابات ۸۸ برنامه هایی دارند.

## فیلم کوتاه روز دوری



کارگردان: سهیل سلیمی  
تهیه کننده: حامد بامروت نژاد  
سال تولید: ۱۳۹۳  
قصه دکتریمینی که در ایام دگرگونی های انتخابات سال ۸۸ با حضور در شبکه های خارجی به مناظره با مخالفان انقلاب می پردازد.

## فیلم کوتاه اکسیژن



کارگردان: امیرداساگر  
تهیه کننده: حامد بامروت نژاد  
سال تولید: ۱۳۹۳  
قرار بسری جوان از افشاشات سال ۸۸ و ورودش به یک خانه برایش اتفاقی ربه وجود می آید.

## مستند من مدیر جلسه ام



کارگردان: سیدمقداد صالحی  
تهیه کننده: خیرگزاری نسیم  
سال تولید: ۱۳۹۲  
روایتی از جلسه نمایندگان نامزدهای انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری با رهبر معظم انقلاب.

## فیلم کوتاه برخورد



کارگردان: محمد نیکدل  
تهیه کننده: حامد بامروت نژاد  
سال تولید: ۱۳۹۳  
مغازه پیرمردی حزب الهی پناه می برد.

## فیلم کوتاه اشک مادر



کارگردان: موسی خاخراده  
تهیه کننده: خاخراده و امیر وجدانی  
سال تولید: ۱۳۹۳  
داستان مادر شهیدی که برخی از حوادث فتنه ۸۸ او را به یاد خاطرات قدیمی اش می اندازد.

## مستند پایان فراموشی



کارگردان: محمد مهدی خالقی  
تهیه کننده: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی  
سال تولید: ۱۳۸۸  
روایتی از رای مردم مناطق محروم استان کرمان به دکتر احمدی نژاد در انتخابات ۸۸.

## مستند یزدان تفنگ ندارد



کارگردان: حسین شمشقردی  
تهیه کننده: محمد حسن مددی  
سال تولید: ۱۳۸۹  
بررسی اتفاقات پس از انتخابات سال ۸۸ توسط یک دانشجوی دانشگاه شریف.

## مستند برادران



کارگردان: مهدی نقویان  
تهیه کننده: مهدی نقویان  
سال تولید: ۱۳۹۴  
بازخوانی و رمزگشایی خبر نتجالی حضور نیروهای حزب الله لبنان در کنترل شورش های پس از انتخابات ۸۸.

## مستند نگهبان آراء



کارگردان: مهدی نقویان  
تهیه کننده: شبکه اول سیما  
سال تولید: ۱۳۸۹  
تاریخ نگاری روزهای بعد از انتخابات و جلسات ویژه شورای نگهبان با نماینده های کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

## مستند انتخاب دهم



کارگردان: مهدی نقویان  
تهیه کننده: واحد مرکزی خبر  
سال تولید: ۱۳۹۳  
بررسی عملکرد شورای نگهبان از آغاز ورود نامزدهای انتخاباتی به عرصه تا زمانی که پرونده انتخابات بسته می شود.

## مستند خیابان شهادت



کارگردان: محمد علی مردانی  
تهیه کننده: محمد علی مردانی  
سال تولید: ۱۳۹۲  
زندگی و نحوه شهادت شهید حسین غلام کبیری جوانی که در ایام فتنه ۸۸ در سعادت آباد تهران به شهادت رسید.

## مستند تقلاب واقعی



کارگردان: نادر طالب راده  
تهیه کننده: شبکه پرس تی وی  
سال تولید: ۱۳۸۹  
بررسی فضا سازی های رسانه ای غربی از حدفاصل ثبت نام کاندیداها تا راهپیمایی ۵۹ سال ۱۳۸۸.

## میم مثل مسجد، آ مثل آتش



کارگردان: زهره یزدان پناه  
تهیه کننده: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی  
سال تولید: ۱۳۹۴  
بررسی واقعه به آتش کشیده شدن مسجد لولاگر در فتنه ۸۸ سال.

## مستند پایان مدارا



کارگردان: محمد حسین خوش بیان  
تهیه کننده: پایگاه اطلاع رسانی رجا نیوز  
سال تولید: ۱۳۹۰  
نگاهی ست رمزگشایانه به نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی در فتنه ۸۸.

## مستند ایران سبز



کارگردان: محمدرضا دهشیری  
تهیه کننده: گروه مستندسازی دیده بان  
سال تولید: ۱۳۸۹  
بررسی موضوع تقلب در انتخابات سال ۸۸ از طریق دو زوج جوان مستند ساز که به مناطق دور افتاده سفر می کنند.

## مستند انتخاب ده



کارگردان: مهدی نقویان  
تهیه کننده: موسسه روایت فتح  
سال تولید: ۱۳۸۹  
روزشمار انتخابات و اتفاقات پیش و پس از انتخابات سال ۸۸ با توجه به اقدامات شورای نگهبان.

## مستند گرم ترین روز زمستان



کارگردان: مهدی نقویان  
تهیه کننده: مهدی نقویان  
سال تولید: ۱۳۹۳  
بررسی حوادث سال ۸۸ از نگاه پدری که فرزندش در همین حوادث مجروح و به کما رفته است.

## مستند دختر لبر



کارگردان: محمدرضا دهشیری  
تهیه کننده: گروه مستندسازی دیده بان  
سال تولید: ۱۳۸۹  
بررسی ادعاهای موسوی و رهنورد در مورد دلایل آن ها برای وجود تقلب در انتخابات می پردازد.

# فیلم‌شناسی فتنه ۸۸

فیلم‌های داخلی  
علیه جمهوری  
اسلامی ایران با  
موضوع فتنه ۸۸



فیلم‌های خارجی با  
موضوع فتنه ۸۸ که  
علیه ایران ساخته  
شده‌اند

## خیابان‌های آرام

کارگردان: کمال تبریزی  
تهیه‌کننده: محمود رضوی  
سال تولید: ۱۳۸۹

فیلمی طنزکامه ماجرای خبرنگاری را روایت می‌کند که در یک روز کاری خود با حوادثی در سطح شهر روبه‌رو می‌شود.



## سینمایی یک خانواده محترم

کارگردان: مسعود بخشی  
تهیه‌کننده: محمد آفریده، زاگ بیده، مازیان دومان  
سال تولید: ۱۳۹۱  
استاد دانشگاه پس از بازگشت به ایران با مشکلات شخصی و مشکلات جامعه پس از سال ۸۸ مواجه می‌شود.



## سینمایی تلفن همراه رئیس جمهور

کارگردان: علی عطشانی  
تهیه‌کننده: محسن علی‌اکبری  
سال تولید: ۱۳۹۰

باربر فقیری یک سیم‌کارت دائمی موبایل می‌خرد که متعلق به رئیس جمهور بوده است.



## سینمایی قصه‌ها

کارگردان: رخشان بنی‌اعتماد  
تهیه‌کننده: رخشان بنی‌اعتماد  
سال تولید: ۱۳۹۰  
در این فیلم کارگردان به سرآدم‌ها و شخصیت‌های فیلم‌های گذشته خود رفته است.



## سینمایی گزارش یک جشن

کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا  
تهیه‌کننده: محمد پیرهادی  
سال تولید: ۱۳۸۹

بیان مسایل ملتهب جامعه سخن برداختن و به مسئله جوانان به عنوان یکی از بحران‌های روز جامعه.



## سینمایی بل چوبی

کارگردان: مهدی کرم‌پور  
تهیه‌کننده: علی سرتیپی، مهدی داوری  
سال تولید: ۱۳۹۰

افتشاشات و التهابات پس از انتخابات در سال ۸۸ سبب می‌شود مهاجرت دو زوج جوان با مشکل مواجه شود.



## سینمایی اشغال‌های دوست داشتنی

کارگردان: محسن امیربوسقی  
تهیه‌کننده: محسن امیربوسقی  
سال تولید: ۱۳۹۱

حضور تعدادی از افشاشگران در خانه بیم‌زن میانسالی سبب بروز اتفاقاتی می‌شود.



## سینمایی عصبانی نیستم

کارگردان: رضا درمیشیان  
تهیه‌کننده: رضا درمیشیان  
سال تولید: ۱۳۹۲

نویس، دانشجوی سناره مار و خارجی که برای فراهم آوردن حداقل شرایط زندگی در اروپا با بی اخلاقی‌های جامعه نمرین می‌کند.



## سینمایی رقص بیابان

کارگردان: ریچارد ریچارد  
تهیه‌کننده: محمد لتری  
سال تولید: ۱۳۹۲

یک جوان ایرانی در حال و هوای انتخابات سال ۱۳۸۸ سعی دارد با تشکیل گروه رقص، دنیای خود را شکل دهد.



## سینمایی رز قرمز

کارگردان: سید سید فارسی  
تهیه‌کننده: تیری لئوول  
سال تولید: ۱۳۹۲

فیلم در سترگشت‌اشات سال ۸۸ ریله یک دختر جوان و مرد میانسالی را که در خاندان سعی دارند آنها را نظارتین ماجراهایی بماند تصویر می‌کند.



## مستند برای ندا

کارگردان: آنتونی توماس  
تهیه‌کننده: آنتونی توماس  
سال تولید: ۱۳۸۹

نگاهی به زندگی ندا آقا سلطان و مرور وقایع پس از انتخابات ۸۸. حمله مردم به افشاشگران و حقوق زنان در ایران.



## مستند روزهای سبز

کارگردان: حنا مخملباف  
تهیه‌کننده: حنا مخملباف  
سال تولید: ۱۳۸۸

دختری آفسرده که برای درمان نذران شناس می‌رود و روان شناس او را برای رهایی توصیه می‌کند به کارهایی متفاوت دست بزند.



## سینمایی گلاب

کارگردان: جان استوارت  
تهیه‌کننده: اسکات رودین، جان استوارت، گیگی بریتزگر  
سال تولید: ۱۳۹۲

روایت زندگی روزنامه‌نگار و مستندساز ایرلی کانادایی که در جریان افشاشات سال ۸۸ به ایران سفر می‌کند و به زندان می‌افتد.



## احمدی نژاد، مردی با کاپشن بهاری

کارگردان: بزرگمهر شرف‌الدین  
تهیه‌کننده: دیوید آدموندز و جیمز ریئالدز  
سال تولید: ۱۳۹۰

روایت دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد تا سال هفتم و بررسی وقایع پیش آمده در سال ۸۸ از این منظر.



## مستند بیست و چندم خرداد

کارگردان: پناه فرهاد بهمن  
تهیه‌کننده: پناه فرهاد بهمن  
سال تولید: ۱۳۹۲

بررسی وقایع پیش آمده از بیستم تا سی ام خرداد ۸۸ و گفت و گو با تعدادی از شاهدان وقایع انتخابات ۸۸.



## خط و نشان رهبر

کارگردان: بزرگمهر شرف‌الدین  
تهیه‌کننده: بزرگمهر شرف‌الدین  
سال تولید: ۱۳۹۰

نگاهی ضد و نقیض به زندگی سیاسی رهبر معظم انقلاب یا نگاهی به فتنه ۸۸.





# خاطرات اولین درآمد



نسل ما طوری بود که با هر وضع مالی، تابستان‌ها سر کار می‌رفت. اولین درآمدم را در ۶ سالگی به دست آوردم. روزی پدرم دو تومن به من داد، من هم با آن، شکلات یام‌یام که بیسکویت و شکلات رو با هم داشت خریدم. سه تا یام‌یام رو چهار ریال می‌خریدم و دونه‌ای دو ریال می‌فروختم و عذاب وجدان هم داشتم؛ چون اگر آنها از مغازه می‌خریدند، ارزان‌تر می‌شد.

در سال ۱۳۵۷ چند تا راهپیمایی بزرگ داشتیم که یکی از آنها ورود امام خمینی (ره) بود. من، برادر بزرگترم و دو تا پسرعمه‌هام، بیسکویت را یک تومن می‌خریدیم و پونزده ریال می‌فروختیم و جالب اینکه هرکس می‌خرید فحش می‌داد. مردی یکی از بیسکویت‌ها را، برای بچه‌اش از من خرید و گفت تو آدم بدبختی می‌شوی؛ چون سر مردم کلاه می‌گذاری و از گرسنگی مردم سوءاستفاده می‌کنی. دو تا راهپیمایی دیگر از انقلاب تا آزادی داشتیم که باز کار ما بیسکویت فروختن بود. از انقلاب که به سمت آزادی می‌رفتیم، یک ساختمان نیمه‌کاره‌ای داشتیم که عکسش سمبل تجمع مردم در انقلاب شده، ما این کار را در همان ساختمان هم کردیم.

## دست‌فروشی در راهپیمایی‌ها

اولین درآمد بهرام عظیمی

تومن بود. وقتی می‌خواستیم مدرسه بروم، یک دوچرخه دسته دوم ۲۶ خریدم که هنوز بعد از پنجاه سال آن را دارم؛ حتی وقتی وارد سپاه‌دانش سیرجان شدم، برای اینکه فاصله بین دو روستا را طی کنم، دوچرخه را از شیراز با اتوبوس به سیرجان بردم.

جوهره کار وقتی از بچگی در انسان به وجود می‌آید، نوعی بیمه کردن در دورانی است که فرد مستقل می‌شود.



زمان کودکی و نوجوانی ما رسم بود که در تابستان‌ها سر کار برویم. مغازه بابای من نون شیرینی بود که نون قندی هم می‌گویند.

آن موقع کار، سختی خودش را داشت. گاهی اوقات پابره‌نه در تابستان، سینی نان شیرینی‌ها را برای مغازه‌ها می‌بردیم و جابه‌جا می‌کردیم. برخی اوقات احساس می‌کردم آسفالت خیابان نرم است. گاهی کارتن‌ها را بدون کمک گرفتن از دست می‌بردیم. برای اینکه نشان دهم، من بدون دست هم می‌توانم تعادل کارتن روی سرم را حفظ کنم. روزی می‌خواستیم از زیر یک طاق رد شویم؛ ولی از وسط نرفتم و از سمت چپ رفتم که گوشه کارتن به طاق گرفت و افتاد، نان قندی هم تَرُد بود، که همه آنها شکستند.

وقتی آن پنج‌ریالی یا یک تومنی را می‌گرفتم خیلی لذت می‌برد، چون احساس می‌کردم، مال خودم است و یک احساس غرور داشتم که این دسترنج خودم هست.

بارزترین خاطره‌ام این بود که تصمیم گرفتم، پول این سه ماه را جمع کنم و یک دوچرخه بخرم. مزدم روزی یک

## کار در بچگی، استقلال می‌آورد

خاطره اولین درآمد اصغر همت



اولین درآمدم در دوران دبیرستان با پسرعمه‌ام بود. کاغذ آلبوم‌های قدیمی هم اندازه را یک دسته می‌کردیم و بعد از پانچ، پاپیون می‌زدیم و دفترچه درست می‌کردیم. لای آن کاربن می‌گذاشتیم و یک قصه من درآوردی کم‌دی می‌نوشتیم و آن را در کوچه، پنج تومن می‌فروختیم.

اولین پولی را که گرفتم، سال ۷۲، بابت بازی در سریال روزگاران کوچک در مرکز اصفهان بود. شب عید، دستمزد را دادند. من هم یک دست کت و شلوار، پیراهن و یک جفت کفش خریدم.

حرکت‌ها و تمرین‌های دوران کودکی باعث شد تا وقتی بزرگ‌تر شدم، به فکر داشتن کارگاه جوبی باشم و الان صرفاً یک کارگردان نباشم.

## دستمزد شب عید

خاطره اولین درآمد نیما کرمی



# فدایی اسلام

گفت‌وگو با سید حسن یوسفی، کارگردان مستند «نواب»

سید حسن یوسفی، کارگردان مستند «نواب» است. فعالیت در عرصه هنری را از نوجوانی، با بازیگری آغاز کرده و به فراخور علاقه‌اش به هنر، دوره کارگردانی مستند و کارگردانی تلویزیونی را در «مؤسسه شهید آوینی» صداوسیما گذرانده است. یوسفی در این مدت آثار زیادی از جمله «رویا محراب»، «مهاجر»، «تروریست‌ها و پادشاه» را تولید کرده و «نواب» اولین کار بلند اوست. کاری که راجع به زندگی نامه «شهید نواب صفوی» است. متن زیر بخشی از گفت‌وگو با آقای یوسفی است.

## ● ظاهراً امسال تعدادی اثر برای جشنواره عمار فرستادید؟ چه کارهایی هستند؟

امسال فیلم‌های «نواب»، «سید شجاع» و «اکسپژن» را برای جشنواره ارسال کرده‌ام. در میان این‌ها نواب یک کار تاریخی سیاسی است که پروسه تحقیق و پژوهش آن مقداری طول کشید. این مستند راجع به زندگینامه «شهید نواب صفوی» است که به بخشی از تاریخ قبل انقلاب می‌پردازد. مستند «سید شجاع» هم به یکی از فرماندهان محور مقاومت در تیپ فاطمیون می‌پردازد و دلوری‌های او را شرح می‌دهد.

سومین اثری که فرستادم با نام «اکسپژن» است. کاری که درباره محیط زیست و وضعیت نامناسب درخت‌ها و جنگل‌های ایران است.

## ● شهید نواب چطور برای شما اهمیت پیدا کرد؟

مستند «نواب» از این‌جا شروع شد که داشتیم یک پژوهشی انجام می‌دادیم راجع به تروریهایی که محمدرضا پهلوی انجام داده. تاریخ را مرور کردیم و به تروریهایی عقب‌تر رسیدیم. می‌خواستیم یک ذکری هم از آن‌ها کنیم. به تروریهایی فدائیان رسیدیم. تروریهایی که مسلحانه بود و به خاطر شکل خاصش نظر ما را به خود جلب کرد. این یک سمبه‌ای بود که به ما کوبیده شد تا ما ابتدا کار نواب را بسازیم. وقتی شروع به تولید کردیم، پیدا کردن آدم‌هایی که با آن‌ها مصاحبه کردیم بسیار سخت بود. چون آن‌ها کسانی هستند که نواب را درک کرده‌اند و از زمان شکل‌گیری فدائیان تا زمان اعدام او در کنارش بودند. از طرف دیگر سند و مدارکی که از این ماجرا وجود داشت، خیلی از هم پاشیده بود. ما برای تهیه آرشیو، از مرکز اسناد، کتابخانه ملی و مرکز نخست‌وزیری کمک گرفتیم که این مرحله مدت زیادی از وقتمان را گرفت.

## ● گروه «فدائیان اسلام» چگونه تشکیل شد؟

زمانی که کتاب کسروی چاپ می‌شود، در ایران و عراق به‌عنوان شیعه‌گری پخش می‌شود. صحبت‌هایی که درباره امام صادق (ع) به‌عنوان رئیس مذهب شیعه و پیامبر اعظم (ص) در این کتاب آمده بود، این وسوسه را برای «شهید نواب» به‌وجود می‌آورد که به ایران بیاید و با این نویسنده صحبت کند. علی‌رغم این‌که همان زمان مرتد بودن این آدم

شدن صنعت نفت تحت تأثیر نواب بوده نه دکتر مصدق!

## ● آرشیو مستندات را چگونه تهیه می‌کردید؟

آرشیوها از جاهای مختلفی بود. مرکز پژوهش‌های نخست‌وزیری، کتابخانه ملی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جاهایی بودند که کمک گرفتیم. ما فیلم‌ها را از مرکز آرشیوها گرفتیم، عکس‌ها و اسناد را بیشتر از مرکز اسناد تهیه کردیم.

## ● نواب در تاریخ معاصر انسان مهمی است، نگران نبودید که کارتان خوب ساخته نشود؟

وقتی کاری را شروع می‌کنم حتماً باید آن را تمام کنم. این که نیمه راه رها کنم و بگویم سخت است، نمی‌شود، و لاش کن، در شخصیت من نیست. این مستند، اولین کار بلند من بود. باید خودم را یک‌طوری نشان می‌دادم که آقا من این کاره هستم. می‌دانستم که روی یک سوزه‌ای دست گذاشتم که ۶۰ سال است کسی نتوانسته فیلم او را بسازد. پس باید خودم را ثابت کنم. بالآخره سختی‌های کار هم جزئی از شغل ماست، باید سختی‌ها را بگذرانیم تا به هدف برسیم.

ما بخش فرهنگی و تاریخی‌مان، چه درخصوص فیلم، چه درخصوص کتاب، خیلی ضعیف است. یعنی چه بعد از انقلاب و چه قبل از انقلاب کتاب‌های خوب تاریخی نداریم. خیلی هم به این قضیه احتیاج داریم که برای نسل جوان و برای کسی که اصلاً آن دوره را ندیده، روشن کنیم که آقا اصلاً جریان این بوده یا نبوده است. پرداختن به این موضوعات به‌نظرم واجب کفایی است و هر فیلم‌ساز و مستندساز باید حق خودش را ادا کند و آن چیزی که واقعیت هست را به مخاطب بگوید تا بفهمند و بدانند که چه کسی بوده و چه شده و به کجا رسیده است.

## ● به نظر شما جشنواره عمار تا الآن چه ظرفیتی را برای سینمای انقلاب به وجود آورده است؟

به‌نظرم از زمانی که جشنواره عمار راه افتاده، تکان عجیبی به سینمای ایران داده. بچه مذهبی‌هایی که دغدغه هنر داشتند و نمی‌دانستند که چطور و کجا کار هنری خود را عرضه کنند، این دغدغه را برای بیشتر آن‌ها حل کرده است.

را اعلام می‌کنند، صحبت کردن با این آدم باعث می‌شود که شهید بفهمد کسروی دارد از روی قصد و غرض این کارها را می‌کند؛ نه از روی نفهمی و نادانی. تصمیم می‌گیرد که این آدم را از سر راه بردارد و این ماجرا که پیش می‌آید، به همین منظور یک گروه تشکیل دهد تا جلوی مسائلی که علیه دین و شیعه اتفاق می‌افتد را بگیرد.

## ● علت سفر «شهید نواب» به بیت المقدس چه بود و چه دستاوردهایی را داشت؟

او به دعوت «اخوان المسلمین» و «سید قطب» به لبنان و فلسطین رفت. این‌ها به شدت برای او تبلیغ می‌کردند. بعد از این که نواب به زندان می‌افتد کمی از مسائل سیاسی کشور خارج می‌شود و تصمیم می‌گیرد که به مسائل دینی خارج از کشور بپردازد. می‌رود با اخوان المسلمین، سرهنگ عبدالناصر و ژنرال نجیب جلسه می‌گذارد و با آن‌ها صحبت می‌کند. با «سید قطب»، به فلسطین می‌رود و سعی می‌کند این برادری و برابری و این اسلام را زنده کند. در مصر درباره کانال سوئز و استعمار به زبان عربی سخنرانی می‌کند. در فلسطین سخنرانی می‌کند و خیلی از جوان‌ها که معروف‌ترینشان «یاسر عرفات» است می‌گویند ما تحت تأثیر نواب یک مبارز شدیم. «یاسر عرفات» آن زمانی که نواب به مصر می‌رود و سخنرانی می‌کند تحت تأثیر او قرار می‌گیرد. نواب به او می‌گوید تو به این‌جا آمدی درس بخوانی؛ درحالی که دارند مملکت را غارت می‌کنند. «یاسر عرفات» می‌گوید من مات و میبھوت ماندم، درس را رها کردم و به فلسطین رفتم. این تأثیر نواب در خارج از مرز خیلی بیشتر بوده است؛ در حدی که وقتی آیت‌الله کاشانی را بعد از ترور شاه به لبنان تبعید می‌کنند به نواب نامه می‌زند و می‌گوید تو هم بلند شو و به این‌جا بیا. این‌جا قدر ما را بیشتر می‌دانند تا در مملکت. اما او در کشور می‌ماند و به مبارزات خود ادامه می‌دهد.

## ● مستند شما چه تفاوتی با دیگر مستندات درباره «شهید نواب» دارد؟

فیلم ما خیلی جامع و کامل نیست؛ ولی سعی کردیم به تمام جنبه‌ها بپردازیم و نقش فدائیان اسلام را در فیلم بگویم. به‌نظرم مدارک خیلی بیشتر و بهتری وجود دارد که با به تصویر کشیدن آن‌ها می‌توان گفت ۸۰ درصد این قضیه ملی





# ما یک امت واحدیم

گفت‌وگو با «حیدر بنی حمزه» کارگردان مستند «نار و انار»

مستند نار و انار روایتی از شیعیان مظلوم آذربایجان ارائه داده که به شدت از جانب دولت آذربایجان در بایکوت خبری و فشار سیاسی هستند. بنابراین اهمیت این مستند با آقای «حیدر بنی حمزه» به گفت‌وگو نشستیم تا از جنبه‌های مختلف مستندش بگویید.

● امسال چه آثاری را به جشنواره عمار فرستادید؟  
من امسال فقط مستند «نار و انار» را به جشنواره فرستادم.

● چرا این سوژه را انتخاب کردید؟

جمهوری آذربایجان دومین کشوری است که بعد از ایران بالاترین درصد تراکم شیعیان را دارد. ۸۵ درصد جمعیت این کشور شیعه است، چنین تراکمی حتی در عراق هم وجود ندارد. در همسایگی ما یک کشور تازه استقلال یافته شیعی در پشت قاب رسانه‌ای است، یعنی رسانه‌ها و حتی رسانه‌های معاند هم توجهی به این کشور نمی‌کنند. آن‌ها تحت شدیدترین فشارهای مذهبی قرار گرفته‌اند و این فشارهای مذهبی حتی در دوران جماهیر شوروی هم سابقه نداشته است. با وجود این که شوروی‌ها کمونیست بودند و با دین و مذهب مشکل داشتند، ولی آن زمان آزادی‌های مذهبی نسبت به الان بیشتر بود.

● چطور با سوژه این مستند آشنا شدید؟

من خبرنگاری‌ها را چک می‌کردم، یکی دو تا خبرنگاری یک اشاره کلی در حد یک کنایه به موضوع اعتراضات شیعیان در آذربایجان کرده بودند. به سرعت این کنایه‌ها رفتیم، باتوجه به این که خودم هم آذری هستم و به القای آذری آشنا هستم، تحقیق کردم تا این که یک سری ویدئوهایی را در این زمینه پیدا کردم. افرادی که در جمهوری آذربایجان هستند، ویدئوهای مربوط به این وقایع را خودشان فیلم گرفتند و آن‌ها هم با اسم مستعار روی یوتیوب و... گذاشته‌اند تا این که صدایشان به یک جایی برسد. من هم آن‌ها را دریافت کردم و شروع به کنارهم گذاشتن مستندات کردم.

● شما کارتان کامل مبتنی بر آرشیو است؟

بله، آن قدر آن‌ها دور از نگاه رسانه‌ها قرار گرفته‌اند که حتی خبرگزاری‌های آن طرف آب هم حاضر نیستند و بیابند از این‌ها گزارش تهیه کنند. منظورم این است که حتی علیه آن‌ها هم چیزی نمی‌نویسند و آن‌ها را نمی‌گویند. به این دلیل مجبور شده‌اند که خودشان با یک سری دستگاه‌های مقدماتی فیلم بگیرند و روی یوتیوب بگذارند تا این که یک بنده خدایی پیدا شود و صدای آن‌ها را به گوش همه برساند.

● مراحل ساخت مستند چگونه بود؟

ساخت مستند دقیقاً یک سال طول کشید. من مشوقی که نداشتم هیچ، چند نفر هم منصرفم کردند. یعنی من کلاً کار را دو ماه خواباندم. قبلاً یک آشنایی کلی با بچه‌های عمار داشتم و سوژه را پیش بچه‌های مستند عمار آوردم. گفتم می‌خواهم هر سوژه‌ای که در دست دارید کار کنم، این را به عنوان نمونه کار دادم و گفتم این یک موضوع نیمه کاره‌ای است و چون بچه‌های داخلی گفتند که این را نساز، من دیگر نمی‌خواهم این را بسازم. وقتی بچه‌های عمار این را دیدند، خیلی تشویقم کردند و دوباره دلگرم شدم و همین کار را ادامه دادم.

● از مشکلات ساخت مستند بگویید.

من هیچ امکاناتی نداشتم. تماماً آرشیوی بود و فقط یک لپ‌تاپ داشتم و صفر تا صد کار را خودم انجام دادم.

از فیلم‌نامه نویسی و گویندگی و دیالوگ‌پردازی و تدوین و... همه را خودم انجام دادم. کامپیوترم کوچک بود و هنگ می‌کرد و کل فایل‌هایم پاک شد. خلاصه دردسرهای زیادی کشیدم.

● چه مسئله‌ای از شیعیان آذربایجان شما را درگیر کرد؟

در جریان مستند حدوداً ۱۵۰ نفر از روحانیون مظلوم جمهوری آذربایجان به جرایم واهی دستگیر شده‌اند و الان در زندان‌های جمهوری آذربایجانند. من آرزویم این بود که مردم ایران این عزیزان را بشناسند و شیعیان آذربایجان هم تصور نکنند که در جهان شیعی تنها هستند. شاید جمهوری آذربایجان، غریب‌ترین شیعیان را در میان کل شیعیان جهان دارد. نه تنها در میان خودشان غریبند و حاکمیتشان هم با آن‌ها مشکل دارد، دیگر شیعیان هم نسبت به آن‌ها اطلاعات خاصی ندارند. بهره‌برداری تبلیغاتی هم تا دلتان بخواهد از آن‌ها می‌شود.

هدف ما این بود که صدای آن‌ها به یک جایی برسد و شناخته شوند تا شاید یک حرکت اجتماعی صورت بگیرد و از فشار آن‌ها کاسته شود.

● دغدغه‌ای که باعث می‌شود روی مسائل جهان اسلام کار کنید چیست؟

ما یک امت واحد هستیم و یک ملت نیستیم. بحث ملت در تاریخ اسلام اصلاً سابقه ندارد. ملت‌گرایی باعث می‌شود که ما به نفرت جدا از هم تفکیک شویم و در مقابل استکبار آسیب‌پذیر باشیم؛ ولی اگر همه امت اسلامی، واحد و در کنار هم باشند، کسی نمی‌تواند بر ما چیره شود. حالا فرض کنید، اگر مستندسازی و اطلاع‌رسانی هم نکنیم، چطور می‌توانیم به یک امت تبدیل شویم؟ اگر مسائل و مشکلات جهان اسلام را نشناسیم، چه آذربایجان باشد و چه لیبی و افغانستان و... نمی‌توانیم یک امت باشیم و آن حس امت واحد را ترویج دهیم و تقویتش کنیم. به نظر من بحث فیلم و مستند خیلی

# تسکینی بر دردهای شیعیان آذربایجان

یادداشتی برای مستند «نار و انار»؛



محمد مهدی خالقی

مهمترین ویژگی جشنواره عمار این است که یک «جشنواره» است. یک رنگین کمان پر نقش و نگار و رنگ و لعاب از همه گستره جغرافیای اسلامی. و چرا رنگین کمان؟ چون تنوع رنگ و امید دارد و تنها جشنواره ایست که می توانی بدون نگرانی از سیاه نمایی و سیاه کاری، خشم و خیانت، تزویر و دروغ، شک و نپهلیسم و بدون سانسور و روشنفکری به تماشای آن بنشین؛ بخندی و بگریی و لذت ببری. شاید عجیب به نظر برسد که چرا این مقدمه را برای فیلمی تأثیربرانگیز و درنکاه به نام نار و انار نوشته ام. مستندی آرشیوی از جمهوری آذربایجان که روایت مبارزات سال های اخیر علیه حکومت صهیونیستی این کشور را به تصویر می کشد. شما فکر کنید از این رنگین کمان با اثری به رنگ قرمز، به رنگ شوق انگیز مجاهده و شهادت مواجهید. مستندی با ظاهر ساده آرشیوی و نریشنی اطلاعاتی که البته استفاده مناسبی از آرشوها کرده است. اما نار و انار به نظر من یک رنگ جدید است. رنگی که تا به حال ندیده بودیم. سوژه ای بکرو جذاب که حقیر خود مدتی درباره آن کار کرده بود و حالا احساس می کنم تکلیفی سخت از دوشم برداشته شده است. امیدوارم هرچه زودتر این مستند با نریشن ترکی در فضای مجازی پخش شود تا تسکینی بر دردهای شیعیان مظلوم جمهوری آذربایجان باشد.



فایده ای دارد! این همه بچه ها کار می کنند و فیلم می سازند، اگر این ها اکران نشود، فایده ای ندارد.

## ● مگر تلویزیون نمی تواند فیلم های عمار را پوشش بدهد؟

تلویزیون تحت فشارهای سیاسی است و اکران مردمی تحت این فشارها نیست. یعنی همین الان مستندی که من ساختم را به احتمال زیاد از تلویزیون نمی توانیم پخش کنیم؛ چون روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان خراب می شود. ولی در اکران، این فشار نیست و هر حقیقتی را می توان بی پرده بیان کرد.

## ● به نظرتان تا الان در مورد فتنه ۸۸ به اندازه کافی فیلم ساخته شده است؟

به نظر من یکی از بزرگترین خلأهای فرهنگی ما همین فتنه ۸۸ است. الان خیلی نیاز است که در این زمینه کار شود. یعنی با دوسه اثر، نمی توان این قضیه را جمع کرد. چون من تا الان اثر شاخصی ندیدم. فتنه یک سری مسائل پشت پرده ای دارد که شاید تا چند سال پیش نمی شد این ها را رو کرد؛ ولی الان می شود به آن پرداخت و هر چقدر جلوتر برویم این مسائل پشت پرده بیشتر رو می شود. برای مثال کودتای ۲۸ مرداد را تا قبل از انقلاب نمی شد خوب و شفاف بررسی کرد. یا مشروطه را خیلی راحت می توانیم بررسی کنیم. فتنه ۸۸ هم همین طور است و در روزهای نزدیک به آن نمی شد به آن پرداخت؛ ولی الان هر چقدر جلوتر می رویم هم باید بیشتر به آن پرداخته شود؛ چون شبهات در موردش دارد زیاد می شود و از طرفی تاریخ شفاهی آن هم دارد از بین می رود. به نظر من خلأ بزرگی است و خیلی جا دارد که در مورد آن کار شود.

تأثیر دارد و خیلی راحت می تواند دست به دست شود و روی مخاطب تأثیر بگذارد. خیلی حرف ها را در فیلم می توان زد که با سخنرانی نمی شود گفت.

## ● نظرتان در مورد جشنواره عمار چیست و فکر می کنید چه ظرفیتی را توانسته برای سینمای انقلاب ایجاد کند؟

جشنواره عمار یک تک درختی است. زمانی که شهید مطهری به شهادت رسیده بود، یک شعری در مورد او منتشر شده بود و شهید مطهری را تشبیه کرده بود به یک درخت تنومندی که زیر سایه آن چمن هایی ایجاد شده اند؛ جشنواره عمار چنین حالتی دارد. یک جوان انقلابی باید در فضای انقلابی و بیروز باشد. ما باید بالآخره به سلاح های روز مجهز باشیم. به نظر من در جنگ نرم و فضای فرهنگی، مهمترین سلاح رسانه است. در این رسانه بچه های انقلابی باید وارد شوند و جشنواره عمار این ظرفیت را به وجود آورده. عمار انحصار در بحث رسانه و فرهنگ را خیلی خوب از بین برده و خیلی ها هم از او عصبانی هستند و این اصلاً هم مهم نیست. فضا را از دست زرسالاران گرفته که خیلی خوشحال کننده و امیدوار کننده است.

## ● نظرتان در مورد اکران مردمی چیست؟

یکبار در مسجد اکران می کردم، حس کردم فضای اول انقلاب جلوی چشممان آمد و خیلی فضای بی غل و غشی بود و انگیزه ها و نیت ها پاک بود و همه اهداف الهی بودند. اگر اکران نباشد همه کارها ابتر می ماند. فرض کنید ما یک نویسنده داریم و هزاران کتاب نوشته و همه را در خانه اش انبار کرده است و نمی گذارد کسی به آنها دست بزند. خب چه



کارگردان: حیدر بنی حمزه

**FIRE &  
POMEGRANATE**

DIRECTOR: HEIDAR BANHAMZE  
تهیه شده در واحد مستند عمار

روایتی متفاوت از وضعیت شیعیان  
جمهوری آذربایجان

**تحریریه:** مجید مالکی، مجتبی مالکی، عارف جعفری، محمد کریمی نسب،  
حمید کوچکی، ابوالفضل افضلی، محمدرضا پورصفا، روزبه قمصری،  
محمدرضا طالبی آهویی

**مدیر هنری:** حسین شهریاری مزعه امامی